

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۷۷

جمعه ۱۱ مهر ۱۳۹۳، ۳ اکتبر ۲۰۱۴

کمیته ای برای نجات ریحانه ها

اصغر کریمی

صفحه ۲

در حاشیه

نشست خبری حسن روحانی در نیویورک

علی جوادی

صفحه ۷

نگاهی به

آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

مصاحبه با سیامک بهاری

صفحه ۹

با کنگره حزب کمونیست کارگری همراه شوید

شهلا دانشفر

صفحه ۱۸

سیاه مثل زندگی اسلامی

بهروز مهرآبادی

صفحه ۱۳

به آفتاب سلامی دوباره خواهیم کرد!

صفحه ۴



اعلام روز جهانی نجات

ریحانه جباری

یکشنبه ۵ اکتبر در همه جا

برای آزادی ریحانه

صفحه ۳

کمیته ای برای نجات ریحانه ها

اصغر کریمی



اعدام را چنان بالا ببریم که حتی نصف خود حکومت بگویند به صرفه نیست و شکاف در دم و دستگاه حکومت را تشدید کنیم. باید در مقابل هر خطر اعدامی طوفانی از اعتراض در ایران و در سطح جهان به راه اندازیم و این بدون سازمان عملی نیست.

کمیته بین المللی علیه اعدام ظرفی برای متشکل شدن و مقابله با اعدام و با کل حکومت است. دست به کار شوید. در هر شهری هستید نماینده این کمیته شوید و شعبه ای از آنرا درست کنید. با کمیته بین المللی علیه اعدام برای همکاری، همفکری و هماهنگی تماس بگیرید. ریحانه و سحر و لقمان و زانیار و صدها نفر دیگر به فعالیت شما نیاز دارند. *

زیادند. اما به حرکت درآوردن آنها بدون حداقلی از سازمان عملی نیست. شبکه های علیه اعدام باید در همه جا شروع به کار کنند و صدها شبکه باید به هم بافته شوند و نیروی علیه اعدام را به میدان بیاورند. این به ما قدرت بسیار بیشتری میدهد که جلو اعدام ها را بگیریم و ماشین آدمکشان را فلج کنیم. همانطور که در عمل جلو سنگسار را گرفتیم و اعدام کودکان را برای رژیم بسیار مشکل کردیم. میتوانیم هزینه از مخالفین اعدام سازمان داد، شعار نوشت و اعلامیه پخش کرد، تجمع سازمان داد و صحنه های علنی اعدام را بهم ریخت، دم زندانها جمع شد و با هر انسان شریفی که هنوز نمیداند مجازات اعدام عملی ضد انسانی و سرکوبگرانه است و یا به خودش زیاد مربوط نمیداند و حساسیت نشان نمیدهد، حرف زد و نظرش را تغییر داد. جنبش علیه اعدام وسیع است و مخالفین اعدام در ایران و در سطح جهان بی نهایت

اطلاعاتش شده است. کمیته ای همیشه در حالت آماده باش. اما این کافی نیست. ریحانه همچنان در خطر است و انسان های دیگری هر روز اعدام میشوند و یا حکم اعدام میگیرند. جنبش علیه اعدام باید وسیعتر شود و به تشکیلات بزرگتر و قدرتمندتری مجهز گردد تا قادر باشد ریحانه ها و سحرها را نجات بدهد. باید هر مخالف حکومت و هر مخالف اعدامی را در ایران و در سراسر جهان به حرکت درآورد و توان و انرژی همه آنها را برای از کار انداختن ماشین جنایت جمهوری اسلامی به کار انداخت. کمیته بین المللی علیه اعدام را باید هر چه بیشتر تقویت کرد و گسترش داد.

در خارج از ایران در هر شهری که هستید شعبه ای از کمیته بین المللی علیه اعدام را سازمان دهید و فعالیت تان را شروع کنید. با کمیته تماس بگیرید و همفکری کنید و راهنمایی بخواهید. عضو کمیته علیه اعدام شوید. کمیته برای دهها کار به کمک فوری نیاز دارد. از ترجمه اطلاعاتی ها و خبرها به زبان های مختلف تا خبررسانی وسیع در مدیای اجتماعی، از سازماندهی آکسیون تا جمع آوری کمک مالی، از تماس با نهادها و احزاب مخالف اعدام تا برگزاری میتینگ و سخنرانی، از انعکاس خبرها و فعالیت ها در رسانه های دوست و فشار به رسانه هایی که سکوت میکنند و افشای آنها و دهها اقدام ابتکاری دیگر. و در ایران باید به یاری خانواده های محکوم به اعدام شتافت، با آنها اعلام همبستگی کرد و به آنها دلگرمی داد. باید شبکه هایی

کمیته بین المللی علیه اعدام دوباره گل کاشت. از لحظه ای که خبر رسید که ریحانه را برای اعدام به زندان رجائی شهر منتقل کرده اند، چنان فعالیت سریع، وسیع و همه جانبه ای سازمان داد که ظرف یک روز این موضوع به یک خبر جهانی تبدیل شد و بسیاری از نهادها و دولت ها جمهوری اسلامی را برای آزادی یا لغو حکم اعدام ریحانه تحت فشار قرار دادند. همزمان در مقابل زندان رجائی شهر هم خانواده ریحانه و تعدادی از مردم دست به تجمع زدند. جمهوری اسلامی عقب نشست و ریحانه را به زندان شهر ری بازگرداند و ده روز حکم اعدام به تعویق افتاد. مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام گزارش میسوط فعالیت ۴۸ ساعته کمیته را در نوشته زنده و زیبایی بازگو کرده است و من اینجا قصد تکرار این فعالیت های شورانگیز را ندارم. فقط میخواهم خطاب به همه آنها که دلشان برای نجات ریحانه و ریحانه ها میتپد، آنها که دوشنبه شب را بیدار ماندند تا سرنوشت ریحانه را لحظه به لحظه دنبال کنند و آنها که همچنان در ایران و در اقصی نقاط جهان در تلاش برای نجات ریحانه هستند به یک نکته مهم اشاره کنم.

کمیته بین المللی علیه اعدام در ده سال گذشته دهها نفر را نجات داده است و عقب نشینی های متعددی به حکومت تحمیل کرده است. کمیته ای خوشنام و مشهور در ایران و در سطح بین المللی با همکاری زیاد. کمیته ای که خار چشم جمهوری اسلامی و سیستم قضائی و وزارت

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاترزیاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

اعلام روز جهانی نجات ریحانه جباری یکشنبه ۵ اکتبر در همه جا برای آزادی ریحانه

ریحانه زنده است چون دنیا به او توجه کرد، ریحانه زنده است چون شما به او نگاه کردید و طپش قلبش را درک کردید، ریحانه زنده است چون انسانیت زنده است.

ما بعد از یک نبرد چند ماهه و بعد از نبرد هشت ساعته در روز دوشنبه ۲۹ سپتامبر، که ریحانه را از پای چوبه دار برگرداند، اینک باید وارد دوره نهایی این نبرد شویم. نبرد برای زندگی، نبرد برای نجات جان ریحانه جباری! فقط یک هفته وقت داریم. باید هر کس به هر طریقی که میتواند وارد میدان مبارزه بشود.

کمپین نجات ریحانه روز یکشنبه روز ۵ اکتبر را روز جهانی نجات ریحانه، روز جهانی آزادی ریحانه اعلام میکند.

ما میخواهیم در این روز در دهها شهر دنیا به خیابان رفته و با برگزاری میتینگ، با شمع روشن کردن، با نصب عکس ریحانه در مراکز شهرها و با اقدامات ابتکاری دیگر به ریحانه اعلام کنیم که میلیونها نفر ترا می شناسند، برای نجات تو تلاش میکنند و عزم جزم کرده اند نگذارند ترا اعدام کنند.

دست بکار شوید. هر جایی که زندگی میکنید فوراً برای برگزاری یک حرکت، یک نمایش، یک میتینگ، یک تجمع آماده شوید. از اقدامات خود عکس و فیلم تهیه کنید و برای ما ارسال کنید.

همه باهم برای نجات ریحانه،

همه باهم برای آزادی ریحانه

کمپین نجات ریحانه

۲ اکتبر ۲۰۱۴



تصمیم گرفته است. قاضی پرونده که اکنون بازنشسته هم هست وقتی دهان باز میکند، تحقیر و نفرت از زن در حرفهایش موج میزند. او پاسداری بوده که چون جنایتکاری را به راحتی آب خوردن انجام میداده در سلسله مراتب حکومت اسلامی رشد کرده و نقش قاضی یا جلاد حرفه ای را به عهده گرفته است. دادگاهی که به هیچ وجه به حقایق و آثار جرم و شواهد اتکا نکرده بلکه از قبل تصمیمش را گرفته بود.

ریحانه را در زندان از همان روز اول شکنجه کرده اند، سوال اینست چرا؟ چرا یک متهم در بیدادگاهها هیچ حقی ندارد؟ چرا یک دختر جوان را تا پای مرگ شکنجه کرده اند، چرا تهدید کرده اند با خانواده اش چنین و چنان میکنند؟ بعد از هفت سال سکوت خانواده و دوندگی در کریدورهای سیاه ادارات و مراکز دولتی، این خانواده دیده اند که کسی به حرفهای آنان توجهی نمیکند. قصد نظام اینست که یک دختر را قربانی کند تا حقایق یک قتل آشکار نشود.

اکنون خانواده ریحانه به قلبهای مردم دنیا متوسل شده اند. قلبهایی که وضعیت این دختر جوان و خانواده او را درک میکنند. قلبهایی که علیه قتل عمد توسط دولتها هستند، قلبهایی که اعلام میکنند که هیچ دولتی حق ندارد حق حیات را از فردی بگیرد.

حکومت اسلامی ایران از زبان وزیر دادگستری اش اعلام کرد که فقط ۱۰ روز اجرای حکم اعدام ریحانه را به تعویق انداخته اند. یعنی ریحانه ممکنست روز ۷ اکتبر اعدام بشود. روز چهارشنبه اول اکتبر پرونده ریحانه به بخش اجرای احکام ارسال شد. یعنی اینکه حکومت اسلامی ایران زمینه را برای اجرای حکم اعدام این بار آماده تر کرده است. روز دوشنبه هنگامی که بطور ناگهانی و قبل از ارسال پرونده به اجرای احکام خواستند ریحانه را اعدام کنند، طوفان درو کردند و عقب نشستند.

این بار میخواهند حداکثر تا یک هفته دیگر ریحانه را مجدداً پای چوبه دار ببرند.

ریحانه جباری در سن ۱۹ سالگی در یک واقعه ناگهانی در مقابل قصد تعرض و تجاوز یک مرد از خود دفاع کرده و با چاقو ضربه ای به این مرد زده است، این واقعه دردناک داستان زندگی ریحانه را چنان عوض کرد که این دختر جوان تا کنون به اندازه یک دنیا رنج و درد و بی حرمتی و حتی رسیدن تا پای چوبه دار را تجربه کرده است.

این غیر انسانی و وحشیانه است و باید کاری کنیم که این کابوس برای ریحانه و خانواده اش پایان یابد.

یک دادگاه فرمایشی در مورد این پرونده

به آفتاب سلامی دوباره خواهیم کرد!

ریحانه میگوید: مرا دست و پا بسته و در حالیکه چشم هایم را نیز بستند به رجایی شهر بردند يك قلم و كاغذ دادند و گفتند آخرین حرفهایت را بنویس!

صبح روز دوشنبه ۲۹ سپتامبر است، حدود ساعت ۱۲ ظهر از يك ملاقات با وکیل در مورد پناهندگی يك نفر بر میگردم، تلفنم زنگ میزند. فاطمی محمدی از هلند است، لحن غمگین صدایش زنگ خطری برای من است، حتما خبر بد دارد. فاطمی میگوید: مینا ریحانه را بردند برای اجرای حکم. با سرعت و شوك میگویم، چطور؟ مگر بررسی مجدد پرونده نبود، مگر خبر نیامده بود که دارند دوباره تصمیم میگیرند، پس تصمیم مقامات رژیم اسلامی که در پشت درهای بسته در این مورد حرف میزدند این بوده که اوضاع مناسب است ریحانه را بکشیم و روی این پرونده که توجه میلیونی بخود جلب کرده سنگ بگذاریم؟

فاطمی میگوید ریحانه به مادرش زنگ زده و گفته مامان دستهایم را بسته اند و میگویند ترا میبریم برای اجرای حکم در زندان رجایی شهر. مامان ترا گول زدند، مرا میبرند، من فردا از دست رنج و دردهایم راحت خواهم شد، تو صبور باش. شعله میماند و يك تصویر از واقعه هولناک.

فورا به فاطمی میگویم الان باید دست بکار شد. اول از همه باید با مقامات دولتها، اتحادیه اروپا و کمیسیونهای حقوق بشر تماس گرفت. باید کاری کرد اینها چند نامه فوری اعتراضی به ایران بفرستند، باید در عین حال خبر را وسیعا پخش کرد، باید در مقابل وزارت امور

خارج و یا پارلمانهای محلی تجمع کرد و بهتر است با رسانه های فارسی زبان حرف بزنیم که برنامه ویژه بگذارند و باید مردم را دعوت کنیم مادر ریحانه را در مقابل در زندان رجایی شهر تنها نگذارند.

با هیجان و تند تند يك اطلاعاتی مینویسم که خبر را علنی کنیم. در آنسوی خط يك جمع از فعالین کمیته علیه اعدام آماده باش هستند، به محض پخش خبر، حسام یوسفی را خبردار میکنم که اوضاع فوق

برنامه امروز یعنی برنامه زنده کانال جدید که به وقت اروپا هفت و نیم شب پخش میشود را به ریحانه اختصاص میدهند. به آقای میبیدی زنگ میزنم، اصلا توجه نمیکنم که در آنجا ساعت چهار صبح است، با خوشرویی همیشگی میگوید چه شده است، با هیجان میگویم ریحانه را برای اعدام برده اند، باید کاری کنیم که همه رسانه های خارج کشور اینرا پوشش خبری دهند و برنامه لایو و زنده را روی این موضوع متمرکز کنند.



بعدا آقای میبیدی در جریان مصاحبه من با پارس تی وی و رادیو همراه گفت که من ساعت چهار صبح با تلفن مینا از خواب پریدم و خبر را شنیدم بعد رفتم زیر دوش آب و نیم ساعت گریه کردم....

نبرد با زمان!

فعالیت تیم فراخوان دهنده به کمپین نجات ریحانه شبنم اسداللهی، نازنین افشین جم و شادی پناه و من با شیوا محبوبی و مهوش عباسوندی شروع میشود. این يك نبرد با تیک تیک ساعت هست.

شیوا محبوبی فورا پیام میدهد که با مقامات پارلمان اروپا تماس گرفته و نامه ای فوری به آنها نیز داده است. شیوا خودش يك پیام در مورد

ریحانه میدهد که در سایتها پخش میشود.

در صفحه مریم نمازی و در صفحه برنامه نان و گل سرخ خبررا میزنند این یکی از پر بیننده ترین برنامه ها و صفحه مریم بازدید کننده چند هزار نفره دارد و این خبر را وسیعا پوشش میدهد.

نازنین افشین جم در صفحه فیس بوك خود خبر را نوشت و يك نامه به کنساکت های بین المللی خود داد. پخش خبر از طرف نازنین افشین جم یعنی پوشش چند هزار نفره این خبر.

شبنم فورا خبر را به زبان انگلیسی در صفحه فیس بوك خود گذاشت و با رسانه های مختلف و دست اندرکاران تماس گرفت و شادی پناه بلافاصله چند تلفن به مقامات وزارت خارجه کانادا و چند رسانه معتبر انگلیسی زبان داشت و با دوستانش در ایران تماس گرفت که شعله را تنها نگذارند.

همکار خوب کمیته علیه اعدام مونا فعالانه وارد میدان میشود، پخش خبر و کمک به انتشار این خبر و فعالیتهای متعدد.

ما لحظه به لحظه اخبار را پوشش میدادیم. با آقای طاهر جعفرزاده یکی از فعالترین و انسان دوست ترین افراد در ایتالیا تماس میگیرم که ارتباط خوبی با پارلمان و رسانه های ایتالیایی دارد. ایشان فورا دست بکار میشود چند ساعت بعد خبر احتمال اجرای حکم اعدام ریحانه در خروجی رسانه های معتبر ایتالیا قرار میگیرد و مصاحبه با طاهر جعفرزاده در این مورد وسیعا پوشش داده میشود. و دو سناتور ایتالیایی به جمهوری اسلامی ایران نامه اعتراضی فرستاده و با سفارت این رژیم در رم تماس گرفته و اعتراض میکنند.

با عموی ریحانه در برلین حرف میزنم و ایشان حاضر به گفتگو با رادیو نسل ما و رادیو همراه هستند و این مصاحبه ها انجام میشود.

از امریکا آقای مصلحی با من تماس میگیرد که فراخوان

تبدیل برنامه های فارسی به دفاع از ریحانه گرفته است و تلویزیونهای متعدد فارسی زبان میخوانند با دست اندر کاران و یا مادر ریحانه مصاحبه کنند. فاطمی در هلند مشغول مصاحبه کردن است و هر از چند گاهی باهم حرف میزنیم و آخرین اخبار را چک میکنیم.

مادر ریحانه بسوی زندان حرکت میکنند به همراه دو خواهر ریحانه پدرش بعدا به آنها ملحق میشود.

از نزدیک زندان به ما میگویند که شعله پاکروان مادر ریحانه به زندان رجایی شهر زنگ زده و به او گفته اند بله اسم ریحانه در لیست اعدامها است و فردا پنج صبح اعدام میشود ساعت هشت برای گرفتن پیکرش بیایید.

کم کم دوستان و آشنایان این خانواده در مقابل زندان تجمع میکنند و رادیو و تلویزیونهای نیز فراخوان میدهند که به مادر ریحانه پیوندید. رژیم دست به يك تشبث دیگر میزنند شایعه پخش میکنند که حکم ۱۰ روز به تعویق افتاده. دوباره سر و کله انجمن امام علی و شارمین میمندی نمایان میشود، خبر پخش میکنند که اوضاع آرام است و خبری نیست، به محل نروید تجمع نکنید حکم به تعویق افتاده.

شعله پاکروان میدانند که اینجا دیگر ته خط است.

و ریحانه را دست و پا بسته و در حالیکه چشمش را با يك باند سیاه بسته اند به زندان رجایی شهر میبرند در آنجا چند مامور با بیرحمی تما يك تکه كاغذ و يك خودکار به او میدهند که وصیتش را بنویسد. ریحانه آخرین حرفهایش را می نویسد حرفهایی که الان در دست زندانبانان رجایی شهر است.

باز هم میخوانند شرایطی ایجاد کنند که جنبش دفاع از ریحانه شکاف بخورد و در نهایت پیکر فرزند دلبد خانواده جاری را به آنها بدهند و باز هم "روشنفکران دینی همیشه مدافع قصاص و حکومت

از صفحه ۴

به آفتاب سلامی دوباره خواهیم کرد!



میگوید اینجا هیچ ماشینی از صبح تا حالا از زندان خارج نشده چطور منتقل اش کردید. در رسانه های رژیم در عین حال اعلام میشود که با پدر ریحانه آقای جباری مصاحبه کرده اند که فضا را آرام کنند. پدر ریحانه منکر حرف زدن با این رسانه ها میشود.

من با درون زندان تماس میگیرم. این يك واقعه منحصر بفرد است زندانیان از درون زندان میگویند خبردار شده اند که ریحانه به اینجا منتقل شده، میگویند امیدوار هستند که اعدام نشود و محکومین به اعدام میگویند این میتواند مهم باشد. نمیدانند که دم در زندان تجمع هست ولی میدانند نبردی به وسعت ایران و جهان برای نجات يك محکوم به اعدام در همین زندان رجایی شهر در جریان است و امیدوار هستند که فردا فاجعه اتفاق نیفتد.

جمعیت در مقابل زندان بیشتر میشود شعله میگوید ماشین هنرمندان و دوستان ما را بر میگردانند که به اینجا نیاید به یکی از هنرمندان آقای فروغی زنگ زده و گفته اند مشکل حل شد به دوستان خودتان بگویید نیایند. ..

شعله به يك کافه اینترنت در نزدیک زندان میرود و پیامی در آنجا می نویسد که نشان میدهد موضوع حل نشده و میگوید پیامهای مرا دو نفر منتقل میکنند. یا برادر در آمریکا و یا فاطمی محمدی در هلند. ..

رسانه های فارسی زبان واقعا غوغا میکنند، میلیونها نفر در جریان خبر قرار گرفته و دست بکار میشوند ...

رجایی شهر و استکھلم و تورنتو به هم وصلند.

ساعت نه ونیم شب است که تلفنم زنگ میزند. سیما بهاری است از مقابل وزارت امور خارجه سوئد با من حرف میزند، واقعا تعداد زیادی آنجا تجمع کرده و شعار میدهند. زنده باد استکھلم قهرمان که یکبار دیگر مرا یاد نجات حاجیه اسماعیل وند از سنگسار و نجات کبرا

همه در مقابل در زندان رجایی شهر تجمع کنند. خود او با رسانه های مختلف مصاحبه میکند و از جنبش متحدانه و همبسته علیه اعدام دفاع میکند و از مردم دعوت میکند همراهی کنند.

حدود ساعت شش و نیم با تلویزیون پارس هستم. مردم زنگ میزنند و ابراز همبستگی میکنند.

بعد ساعت هفت و نیم عصر مهمان کانال جدید هستم خلیل کیوان برنامه را اجرا میکند. من و مهوش علاسوندی قرار است اول برنامه حرف بزیم و فراخوان بدهیم. مهوش بدلیل اینکه این روزها یادآور خاطرات تلخی برای او هست، نمیتواند حرف بزند و بیژن فتحی مصاحبه کند.

مردم در این تلویزیون غوغا میکنند و من یکبار دیگر روی خط میروم و آخرین اخبار را میگویم. که تجمع در مقابل در زندان برجا است و همه منتظر هستند ببیند رژیم چه میگوید.

حدود ساعت نه شب اروپا است که يك خبر روی خروجی رسانه های رژیم از جمله ایسنا و ایرنا و تابناک و ... قرار میگیرد. رژیم اعلام میکند که اصلا قوه قضائیه اعلام کرده قرار نبوده ریحانه را اعدام کنند و اصلا ریحانه منتقل نشده به رجایی شهر. خوب دروغگویی که حرفه سی ساله اینها است، شرم و حیا هم که ندارند، يك نکته مهم است دارند عقب نشینی میکنند.

بیرون و درون زندان رجایی شهر!

در بیرون زندان خانواده و دوستان و طرفداران ریحانه جمع هستند. میگویند با افسر نگهبان رجایی شهر حرف زده اند میگویند ریحانه را مجددا به شهری برگردانند. مادر ریحانه

اعدام" شروع کنند به حمله به فعالین علیه اعدام و مخالفین این حکم که زیاد حرف زدید و شلوغ کردید و قهرمان ساختید و خانواده مقتول را ناراحت کردید و از این حرفها که در نهایت دفاع از حکومت اعدام و تیر زدن به پای جنبش علیه اعدام است.

شعله میگوید دیگر باور نمیکنم. اینها دروغ است، ریحانه در خطر اعدام شدن است. او در مقابل در زندان مصاحبه میکند و میگوید: شایعه راه انداخته اند که حکم متوقف شده تا ریحانه خودش از زندان شهری و نه با تلفن دستی بمن زنگ نزد که رفته به زندان شهر ری و پیش بقیه است باور نمیکنم.

از پارلمان اروپا سه ایمیل میرسد که اعتراض کردیم عفو بین الملل يك بیانیه فوری میدهد، نامه های چند سناتور علنی پخش میشود و تیم خبری کمیته علیه اعدام مشغول است و هر لحظه خبر و وقایع در ایران و در دنیا را پوشش میدهد.

<http://notonemoreexecution.org/1393/07/2954/>

يك نشریه انگلیسی زبان در کانادا اولین بار خبر را منعکس میکنند. سپس رسانه های ایتالیایی و آلمانی، الان اگر اسم ریحانه را در گوگل بزنید و اخبار دیروز را ببینید مطالب متعددی را پیدا میکنید به زبان سوئدی و نروژی، انگلیسی و آلمانی و ژاپنی و غیره.

يك جمع بیا می خیزند و باهم کار میکنند. صدها نفر دوندگی میکنند ...

مهوش علاسوندی در مقام فرماندهی يك جنبش ظاهر میشود. او که خود این روزهای تلخ را تجربه کرده و دو فرزند دلبنش را رژیم اسلامی سباعانه اعدام کرده، فراخوان میدهد که

تلفنی حرف زده و حکم متوقف شده گفت با شعله پاکروان مادر ریحانه چند لحظه حرف زدم و اینرا فوراً منتشر میکنیم. صفحه کمیته علیه اعدام که مرکز این رد و بدل کردن اخبار و پخش خبر بود چند هزار بازدید کننده دارد. و بعدا می شنوم از سیاوش شهابی که میگوید مینا حسام از صبح تا حالا از اینجا تکان نخورده حتی نان و آب هم نخورده به زور الان به او هندوانه دادیم که غش نکند. ...

منهم اینرا از صبح احساس میکردم لحظه به لحظه اطلاعیه ها را که من مینویسم میگویند مینا خیلی غلط دارند. میگویم هیجان زده هستم و میخواهم فوراً منتشر شود میگوید نه تصحیح میکنم و سپس پخش میکنم. هر بار که با این جمع حرف میزنم خوشحالم چون صدای چند جوان را انطرف تر می شنوم و احساس خوبی دارم که این جمع چنین جدی دارد برای نجات يك زن جوان از اعدام فعالیت میکند.

پخش خبر اینکه قوه قضائیه گفته اصلا قرار نبود اعدامش کنیم برای من يك معنی دارد رژیم دارد عقب نشینی میکند. سیاوش شهابی هم اینرا میگوید ما قبلا این لحظات را تجربه کرده ایم، نجات حبیب یادته، برای نجات جان چند نفر این اتفاقات افتاده و این افراد نجات یافتند.

صدای شعله را گوش میدهم بله واقعا اجرای حکم به تعویق افتاده در مقابل در زندان چند لحظه قبل شعار دادن بود و ریحانه را با بغض صدا کردن، و الان هلهله و شادی و سوت زدن را می شنوم و جمعیت تصمیم

رحمانپور از اعدام می اندازد. در تاریخ مبارزه این شهر این دو نقطه درخشان ثبت شده است. دوباره دوستان زیادی در مقابل وزارت امور خارجه تجمع کرده اند. کمیته علیه اعدام، سازمان جوانان کمونیست و مادران علیه اعدام همه و همه دست به دست هم داده و شعار میدهند. من روی تلفن يك پیام به این تجمع کنندگان بسیار عزیز میدهم و آخرین اخبار را به گوش آنها میرسانم. دست میزنند و هلهله میکنند و برای من لحظاتی بسیار ارزشمند را در ذهن ثبت میکنند.

مجددا با عموی ریحانه حرف میزنم و در برنامه رادیو همراه با من و دوستان دیگری که در آمریکا مشغول فعالیت علیه اعدام ریحانه هستند و آقای جباری عموی ریحانه مصاحبه میکنند.

با تلویزیون اندیشه و آقای فروزنده يك مصاحبه انجام میدهم. من در آنجا میگویم هنوز امیدوار هستم هنوز سه ساعت و نیم وقت داریم و باید به اعتراضات ادامه دهیم. ...

چند دقیقه بعد از مرکز خبری کمیته علیه اعدام که سیاوش شهابی و حسام و سهند و احسان و نوشین و بقیه مشغول کار مداوم و لحظه و به لحظه هستند، به اسکایپم زنگ میزنند صدایشان چنان به هم گره خورده که نمی فهمم چه میگویند فقط احساس میکنم خبر خوبی است. فوراً به آنها میگویم آرام یکی بگوید چه شد؟

نوشین با صدای گرمش شمرده میگوید مینا با فاطمی مصاحبه میکردم که همان موقع گفتند ریحانه با مادرش

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

مخالفت با اعدام، مواقفت با نظام!

چارچوب نظام می افتند. این حتی اصلاح طلبی به معنی واقعی کلمه نیست، این مقابله با مبارزات مردم است. این اصلاح طلبی از ترس انقلاب و عین ارتجاع است، مجاهدت برای نجات حکومت اعدام و سنگسار از گزند جنبشهای حق طلبانه و انقلاب مردم است.

امروز در مبارزه برای آزادی ریحانه شاهد همین نوع مجاهدتها هستیم. ادعا میکنند مبارزه مینا احدی و مینا احدی ها علیه اعدام و حکومت اعدام وضع را بدتر میکنند، رژیم را جری تر میکنند، و باید در چارچوب قانونی فعالیت کرد که به تریج قبای آخوند ها بر نخورد! بروی مبارک هم نمی آورند که اگر امروز ریحانه زنده است دقیقا به این علت است که کمیته علیه اعدام و جنبش علیه اعدام کل نظام جمهوری اسلامی را به چالش کشیده است. باید به این اصلاح طلبان امروز و پاسداران دیروز گفت لطفا اول دستان خون آلودتان را بشوئید بعد "رهنمود" صادر بفرمائید!*

مخالفت با اعدام بعنوان قتل عمد دولتی و جنبشی که حول آن شکل گرفته چنان بر فضای سیاسی ایران تاثیر گذاشته است که استحاله چی های ملی- مذهبی نیز به صرافت "مخالفت با اعدام" افتاده اند اما البته با شیوه خودشان و در جهت استراتژی "حفظ نظام" شان!

ملی اسلاميون همه جا مانند زائده ای بر بدنه جنبشهای حق طلبانه چسبیده اند و مثل ضربه گیر این جنبشها عمل میکنند. در جنبش رهائی زن بیرق فاطمه زهرا و فمینیسم اسلامی را بلند میکنند و در جنبش علیه اعدام بیرق لگام و امام علی را! اگر جنبشی علیه بی حقوقی زن و علیه اعدام وجود نداشت اینها کماکان در کنار برادران اصولگرایشان مشغول خدمتگزاری به ولی فقیه شان میبودند. کما اینکه در تمام دوره خمینی همین نقش مشعشع را بازی کردند. اما وقتی "خطر" تضعیف و بر افتادن نظام را بو میکشند "اصلاح طلبی" شان گل میکند و به صرافت تغییرات در

نظام قضائی اسلامی قابل اصلاح نیست!

تعریف یعنی تبعیض و تبعیض علیه غیر مسلمانان و زنان و همجنس گرایان و آزاد اندیشان و تمام آزادیخواهانی که با مذهب و حکومت مذهبی و با اسلام نوع ولایت فقیه مخالف باشند. سیستم قضائی اسلامی یعنی اعدام و سنگسار و قطع عضو و شلاق و تعزیر و شکنجه اسلامی هر کس که بخواهد مثل یک انسان آزاد قرن بیست و یکمی فکر و زندگی کند.

به مرکز توجه راندن عقب ماندگی سیستم قضائی اسلامی یک دستوراد ارزشمند جنبش برای آزادی ریحانه و در محور آن، کمیته بین المللی علیه اعدام است. این دستوراد را باید در کنار متوقف ساختن حکم اعدام ریحانه ثبت کرد. اما این جنبش با لغو کامل مجازات اعدام و با انحلال کامل سیستم قضائی جنایتکارانه جمهوری اسلامی به فرجام خواهد رسید. اعتراض علیه هر حکم اعدام نبرد و گام معینی برای رسیدن به این هدف است. *

"مقامات ایران به جای ادامه دادن به اعدام افراد باید نظام قضایی کشور را اصلاح کنند که به نحوی خطرناک متکی بر پروسه‌هایی است که با حقوق بین‌الملل و استانداردهای محاکمه عادلانه همخوانی ندارد".

حسیبه حاج صحراوی، معاون رئیس سازمان عفو بین‌الملل در خاورمیانه و شمال آفریقا

این نظر بر متن موج جهانی اعتراض به اعدام ریحانه اظهار شده است. نهادهای بین المللی نظام قضائی اسلامی را بزیر ستوال میبرند و این خود یک دستوراد کمپین نجات ریحانه است اما این هنوز کافی نیست. دنیا باید بفهمد که نظام قضائی اسلامی قابل اصلاح نیست. قوانین و کیفرها و روند محاکمات در ایران و یا در هر کشور دیگری نمیتواند اسلامی باشد و با استانداردهای محاکمه عادلانه همخوانی داشته باشد. نفس اسلامی بودن بنا به

عوامل فاجعه راه حل نیستند!

بایستد. انقلابات موسوم به بهار عرب با پرچم "نان، آزادی، کرامت انسانی"، فی الحال راه را نشان داده اند *

عدالت و امنیت و توسعه اقتصادی را تنها نیروی میتوانند در خاورمیانه تامین کند که در برابر کل هژمونی طلبی و میلیتاریسم دول غربی و توحش نیروها و دولتهای اسلامی

که سازماندهی و روی کار آوردن طالبان بوسیله پنتاگون و سی.ای.ا. بمبارانهای شبانه بغداد، که مثل یک آتشبازی با شکوه در رسانه ها نمایش داده میشد، و حمایت دولتها و آکادمیسینهای غربی از "اسلام میانه رو" در اروپا را شاهد بوده باشد پاسخ روشن است. سلفی گری نه ناشی از اعتقادات مذهبی مردم است و نه حتی ناشی از بیعدالتی و نا امنی و توسعه نیافتگی اقتصادی. خاورمیانه همیشه با این مسائل مواجه بوده است، اما تا قبل از حملات نظامی دولت آمریکا و متحدینش از نیروهای نوع داعش و حزب الله و سلفی ها و دیگر تروریستهای اسلامی خبری نبوده است. سلفی گری محصول خاورمیانه بعد از هجوم نظامی آمریکا و متحدینش و محصول افسار گسیختگی نیروهای اسلامی بدنبال این هجوم نظامی است. فاجعه امروز خاورمیانه زائیده سیاستهای میلیتاریستی و هژمونی طلبانه غرب از یکسو و توحش جنبش اسلام سیاسی از سوی دیگر است.

"عملیات نظامی بسرعت انجام می گیرد و لازم است. اما در ادامه باید ذهن ها را "سلفی زدایی" کرد و بعد عدالت، امنیت و توسعه اقتصادی را در مناطق توسعه نیافته برقرار ساخت".

فابریس بالانش، استاد دانشگاه لیون و کارشناس خاورمیانه

باید از این کارشناس محترم پرسید منشأ سلفی گری چیست؟ فقدان عدالت و امنیت و توسعه اقتصادی؟ حتی اگر این را فرض بگیریم باز این سوال باقی میماند که چه عواملی جلوی عدالت و امنیت و رشد اقتصادی را در خاورمیانه سد کرده و حتی این منطقه را در تمامی این زمینه ها ده ها سال به عقب کشیده است؟ برای پاسخگویی به این سئوالات لازم نیست کارشناس و استاد دانشگاه باشید! برای هر کس

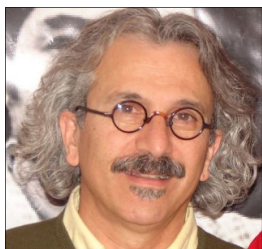


ژورنال روزانه را بخوانید!

ژورنال همه روزه بجز جمعه ها منتشر می شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com

ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com



در حاشیه نشست خبری حسن روحانی در نیویورک

علی جوادی

ریشه های تروریسم را باید در سیاستهای جریانهای اسلامگرای، در قلداری و میلیتاریسم پاکون بدوشهای ناتو و امثالهم و همچنین در نفس مناسبات ضد انسانی جامعه سرمایه داری معاصر جستجو کرد.

حکومت اسلامی و ائتلاف آمریکا

میگوید: "باید در مبارزه با تروریسم، به جای کار نمایشی، به کار ریشه ای بپردازیم. ... با صفحه ۵

انسانی پراتیک روزمره اش است. در چنین شرایطی تنها با نابودی چنین مناسباتی میتوان با مساله خشونت علی العموم تعیین تکلیف کرد. نمیتوان مدافع مناسبات ضد انسانی کار مزدی بود و در عین حال مدعی مقابله با خشونت شد. خشونت در این جامعه نهادینه شده است. تمامی دستگاه دولت بر مبنای خشونت و زور و قلداری و ارباب علیه توده های مردم سازمان یافته است. ارتش و پلیس و زندان و دادگاه ها تماما ابزار اعمال خشونت و دیکتاتوری طبقه حاکمه هستند.

رژیم اسلامی شرط لازم مبارزه برای ریشه کن کردن تروریسم کور و ضد انسانی است. تاریخ حکومت اسلامی تاریخ جنایت علیه شریفترین انسانهای یک جامعه تشنه آزادی و برابری و رفاه است. بیش از ۱۲۰ هزار نفر را به دار آویختند، تیرباران کردند، سنگسار و شکنجه و هزاران هزار را زندانی کردند و جامعه ای را در اسارت گرفته اند و اکنون وقیحانه از مقابله با خشونت و تروریسم صحبت میکنند. واقعا که وقاحت آخوند جماعت و اسلامپون را حد و حصری نیست.

اما نابودی اسلام سیاسی شرط کافی برای نابودی و خلاصی بشریت از شر خشونت و تروریسم نیست. در صفحه مقابل نیز باید به تقابل تروریسم دولتی و پاکون به دوش رفت. آنها که بزرگترین جنایت جنگی را خلق کردند. آنها که در عرض چند ثانیه صدها هزار نفر را در ناکازاکی و هیروشیما به خاکستر تبدیل کردند. آنها عظیم ترین جنایات را علیه مردم در ویتنام و فلسطین و عراق و ... سازمان دادند. خلاصی از تروریسم در عین حال در گرو مقابله با اردوی تروریسم دولتی است.

و اگر بخواهیم به ریشه خشونت بپردازیم باید به نفس مناسبات ضد انسانی حاکم بر جوامع سرمایه داری بپردازیم. جامعه ای که بنیان بر خشونت علیه جسم و جان و روان انسانهای کارکن سازمان یافته است، جامعه ای که اکثریت عظیم انسانها برای بقا و امرار معاش ناچارند نیروی کار خود را به سرمایه دار در قبال مزدی اندک به فروش برسانند. جامعه ای که خشونت علیه زن یک رکن پایه ای آن است و هر روز باز تولید میشود. جامعه ای که خشونت علیه امید و آرزوهای

سنت محمدی است. گردن زدن جایگاه ویژه ای در سنت محمدی دارد. چه کسی گفته های خمینی را در زمانی که فرمان اعدامها و قتل عامهای دسته جمعی را صادر میکرد، فراموش میکند. او با تکیه به سنت محمد و علی چنین جنایاتی را توجیه میکرد. داعش ادامه دهنده سنت اسلام سیاسی حاکم بر ایران است. پدر خوانده شان رژیم اسلامی است. مساله شان تصرف قدرت سیاسی است. تلاششان بازسازی دست راستی و اسلامگرای قدرتی است. سیاسی در سوریه و عراق و حومه است. بیرحم و آدمکش و ضد زن و جنایتکارند و این عین اسلام است. ما اجازه نمیدهیم هیچ جریانی اسلام را از ضرب خارج کند. مقابله با داعش بدون نقد همه جانبه و انسانی سنت و دیدگاههای اسلام و اسلام سیاسی ممکن نیست.

"جهانی عاری از خشونت، افراطی گری و تروریسم"

میگوید: "ندا و صدای مشابهی که امسال در سازمان ملل متحد به گوش می رسید، خطر خشونت، افراطی گری و تروریسم در جهان بود. ... امروز همه وظیفه داریم در برابر این خطر بزرگ منطقه ای و جهانی، برنامه ریزی درست کرده و ریشه های تروریسم را شناسایی کنیم."

پاسخ ما:

خطر خشونت و ریشه های تروریسم و راه مقابله با آن؟ واقعیت این است که اگر کسی خواهان مبارزه با خشونت و تروریسم است، باید برای نابودی رژیم اسلامی بمثابه یکی از حلقه های اصلی موجد خشونت و تروریسم مقابله کند. سرنگونی

شیخ حسن روحانی رئیس جمهور حکومت آدمکشان اسلامی در نشست خبری خود در نیویورک به مطالبی اشاره کرد که بیانگر رئوس کلی خطوط سیاسی - تبلیغاتی رژیم اسلامی و همچنین ویژگیهای سیاست جناح "اعتدال و تدبیر" در اوضاع کنونی است. این نوشته به نقد چند محور این سیاستها میپردازد.

داعش، اسلام

میگوید: "باید روشن سازیم که آنچه در این خشونت از لحاظ ایدئولوژیکی ادعا می شود، دروغ و نابخاط است و این خشونت ربطی به هیچ یک از ادیان الهی و آسمانی بویژه اسلام ندارد."

پاسخ ما: این خود یک دروغ بزرگ است. اینکه داعش چه ربطی به سایر "ادیان الهی" یا بهتر بگویم به سایر دستگاه کثیف مذاهب، از جمله یهودیت و مسیحیت دارد و چرا باید در این چهارچوب مطرح شود، خود گوشه ای از تلاش برای در تقابل قرار دادن داعش با سایر ادیان و از جمله اسلام است. میخواهند نیرو جمع کنند. اما واقعیت این است که سرمنشاء و نقطه الهام تمام فرقه های متفاوت جنبش ارتجاعی و تروریستی اسلام سیاسی، چه از نوع اسلام سیاسی نوع رژیم اسلامی در ایران تا جریان القاعده، سلفی ها و جریان حکومت اسلامی داعش، تماما باورهای عقیدتی و نظری اسلام و کل سنت اسلام است. داعش تکرار خونین سنت صدر اسلام در دوران معاصر است. داعش تداوم سنت محمد و خلافت اسلامی در دوران حاضر است. همانطور که جریان خمینی تداوم همین سنت است. همان دوران هم این اوباش چنین جنایاتی خلق کردند. این

یادداشت های هفته

امید تقوایی

به شلاق کشیدن شادی!

اسلامی باشد. رژیم جنگ با ماهواره و جنگ با بی حجابی را فی الحال باخته است. جنگ با موسیقی و شادی را نیز خواهد باخت. دیر نخواهد بود که رقص دختران بیحجاب در بامها و خیابانهای تهران و مشهد و اصفهان، از اینترنت و مدیای اجتماعی به همه خانه ها خواهد رفت و در کنار بیحجابی و ماهواره به سوژه اصلی شکوه و شکایت امانان جمعه و سرداران سرکوب تبدیل خواهد شد. حکومتی که شادی را به شلاق میکشد در برابر نفس زندگی ایستاده است. و این نه صرفا شادی مردم، بلکه نفس زندگی است که حکم محکومیت آنرا صادر میکند! *

"عوامل کلیپ هپی به ۹۹ ضربه شلاق و جزای نقدی محکوم شدند." خبرگزاری ایلنا

شادی را به شلاق میکشند و ضعف و زبونی خودشان را نشان میدهند. این رژیم عزا و ماتم و مرگ و سیاهی است و نفس زنده بودن و شوق و شور زندگی کل موجودیت آنرا به چالش میکشد. و دقیقا به همین دلیل برای جوانان ایران موزیک و رقص و شادی تنها نه یک تفریح بلکه یک شکل اعتراض و و مبارزه است. نسل جوان با کلیپهای شاد از نوع هپی به جنگ حکومت اسلامی میروند و بازنده این جنگ تنها میتوانند رژیم ماتم و عزای جمهوری

در حاشیه نشست خبری حسن روحانی در نیویورک

بمباران چند نقطه، تروریسم از بین نخواهد رفت؛ از سال ۲۰۰۱ تا کنون که بمباران هوایی در کشورها و مناطق مختلف تحت عنوان مبارزه با تروریسم انجام شده است، نتیجه‌اش این بوده که تروریسم گسترش پیدا کرده و قوی‌تر و دارای جاذبه بیشتری برای برخی ناآگاهان شده است.

پاسخ ما:

برای مقابله با تروریسم، اگر هدف عوامفریبی اسلامی نباشد، باید با جریانهای اصلی تروریسم در جهان معاصر مقابله کرد. باید با خود این اوباش اسلامی و کل جنبش اسلام سیاسی مقابله کرد. باید با تروریسم دولتی مقابله کرد. برای نابودی تروریسم باید ریشه‌های آن را خشکاند. تروریسم اسلامی یک پای عمده تروریسم جهان معاصر است. باید رژیم اسلامی را سرنگون کرد. باید مساله فلسطین را حل کرد و بر ستم و کشتار دولت اسرائیل و متحدینش بر مردم فلسطین پایان داد. باید جلوی سازش و بند و بست حکومت‌های غربی با جریان‌های متفاوت اسلامی را گرفت. باید به مقابله با سیاست دولت سازی بر مبنای مذهب و قومیت و ملیت پرداخت. باید بساط مدارس اسلامی را برچید و آموزش و پرورش را تماما سکولار کرد. باید سیاست ارتجاعی نسبت به فرهنگی را در هم شکست. و بالاخره باید بساط فقر و فلاکت و استیصال را جمع کرد.

واقعیت این است که نه سیاست بمباران هوایی و به اعتبار دقیقتر سیاست "تروریسم هوایی" آمریکا و متحدین کارآیی چندانی در مقابله با تروریسم اسلامی و داعش دارد و نه سیاست مورد ادعای سردمداران رژیم اسلامی منجر

به نابودی داعش خواهد شد. سیاست های آمریکا و ناتو شکست خود را در افغانستان و عراق و لیبی نشان داده است. تروریسم دولتی نه عاملی در جهت نابودی اسلام سیاسی بلکه برعکس در جهت حفظ و بقای این جریان آدمکش است. همانطور که تروریسم اسلامی توجیهات قابل ملاحظه‌ای برای بقا و گسترش سیاست میلیتاریسم امپریالیستی و تروریسم دولتی است.

اگر حمایت غرب نبود، اسلام سیاسی کماکان جریانی در حاشیه جوامع بود. اگر کمک‌های غرب در دوران جنگ سرد نبود، جریان خمینی و اسلامی سیاسی در ایران به جلوی صحنه تحولات سیاسی رانده نمیشدند. اگر سیاست شیطان سازی غرب در دوران جنگ سرد نبود، جریان القاعده به چنین نیروی دهشتناکی تبدیل نمیشد. تروریسم هوایی راه حل مقابله با تروریسم اسلامی و داعش نیست. همانطور که تروریسم اسلامی شاخه رژیم اسلامی راه حلی نیست. کلید مساله در درست مردم آزادیخواه و برابری طلب است.

مذاکرات هسته ای و مناسبات حکومت اسلامی و غرب

میگوید: "به هیچ عنوان تحریم، مسیر صحیح و درستی نبوده و ادامه تحریم، کارساز نخواهد بود. تحریم به ضرر همه ملتها و دولت‌های تحریم‌کننده و تحریم‌شونده است. ... غنی‌سازی در ایران ادامه خواهد یافت و هر توافقی که در آن غنی‌سازی ملحوظ نشده باشد، از نظر ما قابل قبول نخواهد بود. ... ما به فکر یک مصالحه برد - برد هستیم؛ مصالحه‌ای که از یک سمت حقوق مردم ایران در آن ملحوظ شده باشد و شفافیت لازم جهت اعتمادسازی برای

کشورهایی که احتمالا نگرانی دارند، نیز تامین شده باشد."

پاسخ ما:

ما همواره گفته ایم که تحریم اقتصادی مستقل از تاثیرات آن بر موقعیت رژیم اسلامی از آنجائیکه اثرات مخربی بر زندگی مردم عادی دارد، یک سیاست ضد انسانی است. تحریم اقتصادی یک سلاح کشتار دسته جمعی است. مسلمانان تحریم‌های اقتصادی تاثیرات معینی بر موقعیت رژیم اسلامی داشته است. فراتر از آن این سیاست تاثیرات خرد کننده و مخربی بر جامعه و موقعیت زندگی مردم داشته است. اما رژیم اسلامی سالیان سال است که چنین سیاستی را علیه مردم در دستور خود دارد. مردم را به زندگی در زیر خط فقر محکوم کرده است. بیش از نیمی از جامعه در زیر خط فقر اسلامی زندگی میکنند. بیکاری بیداد میکند. هر سال صد ها هزار جوان وارد بازار کار میشوند اما اکثریت عظیم آنها حتی نمیتوانند کاری حتی با این حقوقهای ناچیز و شرم آور دریافت کنند. باید سیاست تحریم اقتصادی غرب و همچنین سیاست فلاکت اقتصادی رژیم اسلامی را با هم در هم شکست. روحانی خط و نشان میکشد که غنی سازی اورانیوم و تلاش هستی‌ای رژیم ادامه پیدا خواهد کرد. بر این تصور باطلند که انرژی و سلاح هسته‌ای عامل تعیین کننده‌ای در تداوم عمر سیاه رژیم اسلامی است. اما در عین حال آماده معامله اند. سیاست "برد - برد" در حقیقت بر این مبنا استوار شده است. و سؤال این است که "برد" طرفین این بند و بست چیست؟ واقعیت این است که رژیم به دنبال تخفیف فشارهای بین المللی، چه اقتصادی و سیاسی و چه احتمالا نظامی است. میدانند که در

شرایطی که تقابلات بین المللی علیه شان تشدید شده باشد، در موقعیت مناسبی قرار خواهند داشت. از این رو میخواهند معامله کنند. و یک رکن سیاست جناح روحانی - رفسنجانی دقیقا پرداختن به همین مساله است. بر این تصورند که وزن و موقعیت جناحشان در حاکمیت رژیم اسلامی به درجات ویژه‌ای به حل این مساله گره خورده است. و این یک رکن سیاست استراتژیک این جناح برای بقای رژیم اسلامی است. و زمانی که از برد طرف مقابل صحبت میکنند منظورشان دستیابی مجدد به بازار وسیع و گسترده‌ای است که در صورت لغو تحریم ها در اختیار کمپانی های عظیم سرمایه در غرب قرار خواهد گرفت.

اما از نقطه نظر توده مردم کارگر و زحمتکش تحریم ها باید لغو شوند. سیاست فلاکت اقتصادی رژیم که روی دیگر سکه تحریمهای اقتصادی است باید در هم شکسته شود. این تنها برد مردم در این شرایط است. و پیشبرد این سیاست یعنی تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی و تلاش برای مقابله همه جانبه با سیاست قلدری و میلیتاریستی غرب.

حکومت اسلامی و حقوق و آزادی های فردی و مدنی

میگوید: "اگر سری به جامعه ایران بزنید یا از مردم ایران سوال کنید، مشاهده می‌کنید که بعد از انتخابات پرشور سال ۱۳۹۲ در ایران، جامعه ایرانی امروز احساس آرامش، وحدت و انسجام بیشتری دارد. مسئله حقوق بشر هر کشوری مربوط به همان کشور است و در چارچوب فرهنگ آن کشور باید مورد بررسی و بازبینی قرار گیرد. ... همچنین شرایط در دانشگاه ها و احزاب و گروه‌ها نسبت به گذشته کاملاً متفاوت است."

پاسخ ما:

لازم نیست کسی سری به ایران بزند تا واقعیت زندگی در آن

جامعه تحت حکومت اسلامی را بشناسد. واقعیت این است که چند خبرنگار از همه جا بی خبر برای مشاهده آنچه روحانی ادعا میکنند به ایران سفر کردند و سر از اوین در آوردند و به گروگان گرفته شدند. منظور روحانی از "احساس آرامش، وحدت و انسجام بیشتر" اساسا اشاره به موقعیت مورد ادعای رژیمشان است. بر این تصورند که موقعیتشان بعد از مضحکه انتخاباتی ۹۲ تحکیم شده است. گویی فراموش کرده اند که بر روی کوهی از آتش فشان نشستند. آتش فشانی که سوختش انزجار عمیق مردم از حکومت اسلامی است.

میگوید مساله حقوق بشر مربوط به همان کشور است. واقعیت این است که حقوق فردی و مدنی مردم در ایران مترادف حقوقی است که متضمن خلاصی جامعه از شر نکبت اسلامی است. و اگر مساله حقوق انسانها در اختیار و کنترل مردم بود، مدتها بود که سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران در بازداشتگاهها بسر میبردند. اما این ادعای اسلامی و پست مدرنیستی دیگر حنایش رنگی ندارد. پست مدرنیسم و نسبییت فرهنگی یک تز ارتجاعی برای خودی جلوه دادن سرکوب و سنگسار و خفقان و حجاب و نابرابری زن و مرد است یا جامعه غربی راحت تر با وجدان خود در قبال این کوهی از ستم و نابرابری سکوت اعلام کند. واقعیت این است که فرهنگ نسل جوان ایران فرهنگی مدرنیستی و آزادیخواهانه است. فرهنگی ضد اسلامی و ضد عقب ماندگی و تحجر است. و اگر واقعا قرار باشد حقوق مدنی افراد جامعه را بازبینی کنند چیزی از بساط کثیف اسلام و حکومت اسلامی باقی نخواهد ماند.

و یک نکته پایانی:

هر درجه که رژیم اسلامی در مقابل غرب عقب نشینی و سازش کند، این مجموعه خود بعنوان چراغ سبزی به مردم برای تعرض به رژیم اسلامی است.

*



نگاهی به آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

مصاحبه با سیامک بهاری

انترناسیونال: آموزش و پرورش در نظام جمهوری اسلامی را چگونه تعریف می‌کنید؟

سیامک بهاری: قبل از هر چیز ضمن تشکر از شما، پیشاپیش توضیح بدهم که پرداختن به ساختار آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی موضوع بسیار وسیعی است. بررسی همه زوایای آن قطعاً در حوصله این مصاحبه نمی‌گنجد. امیدوارم بتوانم به بخشهای اساسی و نکات اصلی آن فشرده و کوتاه در حد معرفی بحث بپردازم.

آموزش و پرورش در ایران بطور رسمی پیشینه‌ای ۱۸۰ ساله دارد و تاریخی پر و فراز و نشیب و با رویکردهای متفاوت را پشت سر گذاشته است. آموزش و پرورش در دوره جمهوری اسلامی از هر زمان دیگر بطور ویژه و منحصر بفردی تحت انقیاد دستگاه‌های امنیتی و انتظامی و حوزه‌های دینی کشور است، تا یک نهاد علمی و پرورشی.

وزارت آموزش و پرورش، بزرگترین وزارتخانه دولت است. حدود یک میلیون کارمند و در سال جاری تحصیلی بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز در مقاطع مختلف تحصیلی دارد. یکی از بی‌سر و سامان‌ترین، فقیرترین و بدهکارترین وزارتخانه‌هاست.

رویکرد جمهوری اسلامی به این وزارتخانه کاملاً امنیتی و نظامی است. اگر به وب سایت رسمی این وزارتخانه سری بزنید، در خواهید یافت که به وب سایت یک نهاد امنیتی و کلاً ایدئولوژیک پا گذاشته‌اید. بیشتر از تأسیس نمازخانه و نماز جماعت و تربیت مدرس نماز و آموزش علمی نماز و احیای چادر

و اردوهای بازسازی جبهه جنگ مانند راهیان نور و ترویج صلوات و آموزش قرآن و غیره می‌توانید با خبر شوید تا ساختاری علمی و آموزشی منطبق بر علم و دانش بشرا امروز. تعریفی از استانداردهای آموزشی و نشانه‌ای از تحقیقات علمی وجود ندارد. برای مقایسه بد نیست سری بزنید به وب سایت وزارت آموزش و پرورش در چند کشور اروپایی و بعد با وزارت آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی مقایسه کنید!

بزرگترین کسر بودجه تاریخ جمهوری اسلامی مربوط به این وزارتخانه است. کسری پنج هزار میلیاردی! این رقم نجومی حیرت‌انگیز، بخشی از حقیقت تلخ بی‌توجهی به آموزش کودکان و نوجوانان است! ۹۹ درصد اعتبارات وزارت آموزش و پرورش به دستمزد پرسنل آن اختصاص دارد و یک درصد باقیمانده برای مصارف دیگر است.

علی‌اصغر فانی، وزیر آموزش و پرورش، می‌گوید: "این وزارتخانه ۱۰۰ پروژه نیمه تمام دارد، حدود یک سوم دانش‌آموزان ایران، در فضاهایی تحصیل می‌کنند که در معرض تخریب هستند و نیاز به مقاوم‌سازی دارند. ۱۳۰ هزار کلاس درس نیز در نقاط مختلف کشور، فاقد وسایل گرمایشی مناسب هستند. به دلیل نبود اعتبار کافی در آموزش و پرورش، معلمان، انگیزه لازم را برای افزایش مهارت‌های خود ندارند" عبارت بالا به نقل از وزیر، بخوبی خصلت نمای وضعیت این وزارتخانه است. همین اعتراف هولناک به ما می‌گوید که وضع از چه قرار است. این وزارتخانه ای است که قرار نیست، پولی

خرجش بکنند. به همین خاطر هم دارند به اشکال مختلف وظایفش را به بازار خصوصی منتقل می‌کنند. خصوصی سازی در این وزارت غوغا می‌کند. مهد کودکان تقریباً به نهادهای مذهبی و افراد وابسته به نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی سپرده شده است. مدارس طبقه بندی شده در سطوح مختلف با استانداردهای متفاوت، ایجاد شده است. بسته به توان مالی متقاضی لیست بلند بالایی از این مدارس به اسامی مختلف از قبیل نیمه دولتی، غیر انتفاعی، هیئت امنایی، تیزهوشان، شاهد، امین و غیره، اغلب با قیمتهای نجومی برای شهریه و دیگر هزینه‌های جاری تحصیلی که مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش است را می‌توان یافت.

انترناسیونال: با این اوصاف، دسترسی به امکانات تحصیلی چگونه است؟

سیامک بهاری: طبق آمارهای دست اندرکاران جمهوری اسلامی از هر صد کودک، پنجاه و یک کودک به آموزش دسترسی ندارند. این رقمی معادل بیش از پانزده میلیون کودک و نوجوان را شامل می‌شود. طبق سرشماری اخیر، حدود سی میلیون نفر از جمعیت کشور ایران را کودکان و نوجوانان زیر هیجده سال تشکیل می‌دهند. از این تعداد حدود هفده میلیون و پانصد هزار نفر آن کودکان از صفر تا چهارده سال هستند. حالا با یک حساب سرانگشتی دستتان می‌آید که اگر پنجاه و یک نفر از صد کودک از ادامه تحصیل بازماند، رقمی بیش از هفت میلیون کودک و نوجوان عملاً از چرخه تحصیل و آموزش حذف

شده‌اند.

طی ۱۵ سال گذشته مجموع دانش‌آموزان دوره‌های گوناگون تحصیلی از ۱۹ میلیون (در سال ۱۳۷۸) به کمتر از ۱۳ میلیون در سال جاری رسیده است. این رقم هولناکی است. پدیده بازماندگی از تحصیل همچنان رو به رشد است. پدیده بیسوادی نه تنها رو به کاهش نیست، بلکه علیرغم ادعاهای کاذب حکومت اسلامی، همچنان رشد شتابنده‌ای دارد.

آخرین سرشماری نفوس در ایران نشان می‌دهد دومیلیون کودک فاقد امکانات تحصیلی هستند، و در سال ۹۱ با افزایش پنج میلیونی محرومین از تحصیل و آموزش روبرو می‌شویم. این حاصل فلاکت اقتصادی، بی‌توجهی عامدانه به دسترسی کودکان به تحصیل و یک تراژدی تمام و کمال است. در عین حال بخشی از کارکرد آگاهانه طبقاتی کردن آموزش برای دسترسی به حق تحصیل است. اولین قدم به درب وردی آموزش و پرورش بیش از هفت میلیون قربانی دارد!

جمهوری اسلامی کودکان خانواده‌های مهاجر افغان را "بی‌هویت و بی‌شناسنامه" میدانند. به اضافه "کودکان صیغه‌ای" که حاصل ازدواج موقت بوده‌اند و فاقد پدر مشخص محسوب می‌شوند هم چیزی حدود نیم میلیون کودک را شامل می‌شود که از چرخه تحصیل بازمانده‌اند. آمار دقیقی از جمعیت دانش آموز روستایی در دسترس نیست. وگرنه این رقم قطعاً بسیار بیشتر از تعداد اعلام شده است. در مناطقی که زبان اصلی و رایج مردم در آنجا فارسی نیست، رها کردن ادامه تحصیل بسیار شایعتر است و این آمار تعداد بیشتری را شامل می‌شود.

انترناسیونال: سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش و جهت گیری آن چیست؟

سیامک بهاری: آموزش و پرورش برای جمهوری اسلامی یک نهاد مهم سیاسی - ایدئولوژیک است. چند میلیون کودک و نوجوان را یک جا در اختیار گرفته است، تا آنها را برای تأمین اهداف سیاسی و اعتقادی اش آموزش بدهد. مراکز و محیط‌های آموزشی برای جمهوری اسلامی معادل سربازخانه و پادگان است. شششوی مغزی، ترویج خرافات، مقابله با علم و دانش و دستاوردهای مدرن امروزی. نهادینه کردن جدایی جنسیتی و تبعیض در همه سطوح از ارکان آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی است. سازمانی بنا شده بر تبعیض و نابرابری در همه سطوح. در دسترسی به مدرسه و تحصیل، در تدوین کتب آموزشی، در جداسازی جنسیتی، در تخصیص بودجه، در تأمین امکانات تحصیلی برابر برای کل جامعه، در تلاش برای دسترسی احاد جامعه به علم، تحصیل و غیره، تبعیض سازمان یافته دولتی را مشاهده می‌کنید.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش سندی برای استحکام و نهادینه کردن تبعیضهایی است که برشمرده. کودکانی که توانسته‌اند، علیرغم همه فقر و فلاکتی که جمهوری اسلامی به جامعه تحمیل کرده است، به مدرسه راه یابند، وارد عرصه‌ای می‌شوند که طی بیش از سه دهه تلاش بی‌وقفه دستگاه امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی، آنرا قدم به قدم به یک پادگان نظامی -

نگاهی به آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

امنیتی بیشتر شبیه کرده است، تا محیط کسب علم و دانش برای کودکان و نوجوانان. دست درازی مذهب در آموزش و پرورش نهادینه ترین اقدام جمهوری اسلامی است. بطوری که حتی مدرک تحصیلی، مشابه مذهبی و دینی دارد، مثلاً گفته میشود، معادل مدرک لیسانس و یا مدرک حوزه ای!

بد نیست که به چند بند از سند بنیادین تحول در آموزش و پرورش گذرا هم که شده نگاهی بیندازیم تا موضوع دست درازی مذهب در همه ارکان آموزش و پرورش بهتر روشن شود. عین متن:

گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی عبارتند از:

۱- آموزه‌های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه‌ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به ویژه امام زمان (عج) و ولایت‌مداری در تمام ساحت‌ها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی).

تبصره: اقلیت‌های مذهبی مصرح در قانون اساسی براساس قوانین موضوعه اقدام خواهند کرد.

۲- آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است، به عنوان مهمترین رسالت منتظران در عصر غیبت.

۳- میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)، تعمیق علاقه و پیوند با انقلاب اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه.

۴- فرآیند تعلیم و تربیت در تمام ساحت‌ها شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی

و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناوریانه منطبق بر نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزشهای برگرفته از قرآن کریم، سنت حضرات معصومین (علیهم‌السلام) و عقل که تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد.

۵- زمینه سازی کسب شایستگی‌های پایه. با تأکید بر خصوصیات مشترک اسلامی - ایرانی و انقلابی، در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی.

در همین پنج بند آغازین سند تحول مشاهده میشود که قرار است آموزش و پرورش، موجوداتی تربیت کند که مانند روایات برنامه ریزی شده اند. فردی مغزشویی شده که به پیچ و مهره های ایدئولوژیک نظام اسلامی تبدیل شوند. اما تا همین جا جمهوری اسلامی دریافت است، که جامعه با عبور از سنگ‌های قرون وسطایی این حکومت، راه خود را به سمت یک جهان مدرن و امروزی کج کرده است. وحشت این پس زدن، جمهوری اسلامی را بر آن میدارد که مذبوحانه با ارائه طرحهای جدید به فکر سیطره ارتجاعی خود باشد. این پس راندن جمهوری اسلامی بخش مهم و چشمگیر مبارزات مردم علیه حکومت است.

از دیدگاه سند تحول بنیادین، علم همان قرآن و حدیث است. چاه جمران و غیبت و ظهور و غیره هم باید نقش جایگزین دروس بیولوژی و زمین شناسی را ایفا کند. تاریخ همان، غزوه های محمد و حشو و نشو با کنیزان و زنهای بیشمارش، جنگها و سازشهای امامان شیعه و عیش و عشرت آنان و غیره است. حذف رشته های علوم انسانی

و مقابله آشکار با آن، سمت و جهت آموزش و پرورش به قرون وسطی و تحجر اسلامی است. آخوند قرائتی میگوید: "کتابها باید بررسی شود. . . باید در آموزش و پرورش مسائلی آموزش داده شود که واجب و یا مستحب باشد!" این جلوه ای تمام نما از نگرش عمیقاً ضد علمی دستگاه حکومتی است.

برای یک چنین نظام آموزشی فوق ارتجاعی و قرون وسطایی، کودک و دوران کودکی او شادی و خلاقیت کودک، استعدادها منحصراً بفرد کودکان و نوجوانان نه تنها ارزشی ندارد که خود یک پدیده ضد ارزش تلقی میشود. بخاطر دارید که وزیر میلیاردر "صادق محصولی" میگفت مهد کودکی که شهادت طلبی را ترویج نکند باید بسته شود! همین چندی پیش بود که یکی از سران سپاه پاسداران از "فاجعه رقص و آواز" در مهد کودکی یاد می کرد!

هجوم دارو دسته اراذل و اوباش حکومتی بعنوان مدرس نماز و ارسال "روحانی به مدراس"، تشدید فعالیت امنیتی بسیج مدارس و انگیزاسیون کودکان و خانواده هایشان، ایجاد مراکز خبرچینی در راس اولویتهای آموزش و پرورش است.

پروژه اسلامی کردن و باز هم اسلامی تر کردن مدارس در راس امور جاری وزارت آموزش و پرورش قرار میگیرد و صد البته بعد از سه دهه، جمهوری اسلامی خود را ناکام از اجرای اهدافش می یابد!

انترناسیونال: تخصیص بودجه برای مدارس به چه ترتیب است؟

سیامک بهاری: یک نگاه فوری به وضعیت بودجه مدارس، استاندارد جمهوری اسلامی برای

اداره مدارس و دانش آموزان را ساده تر پیش چشم می آورد. سرانه دانش آموزان یک بخش از این استاندارد است.

سرانه دانش آموزی در جمهوری اسلامی مبلغی حداکثر حدود بیست و هشت هزار تومان است. با محاسبه به نرخ دلار حساب کنید، تقریباً میشود هشت، نه دلار در سال! این مبلغ البته تقریباً هیچوقت پرداخت نشده است. این مبلغی است که براساس دو شاخص G.D.P یعنی سهم آموزش و پرورش از تولید ناخالص داخلی و G.N.P سهم آموزش و پرورش از تولید ناخالص ملی، باید به مدارس پرداخت شود. بنابراین جمهوری اسلامی سالانه چیزی معادل حداکثر ده دلار به ازای هر دانش آموز، قرار است برای ارتقا سطح آموزشی و ورزشی، نگهداری مدارس و بهبود و مقاوم سازی آنها، سرویسهای بهداشتی و غیره بپردازد. این مبلغی است که خود آموزش و پرورش اذعان دارد که یا هرگز پرداخت نکرده و یا نصفه نیمه پرداخت کرده است. این تمام آن چیزی است که به آن بودجه سرانه میگویند. حالا این مبلغ ناچیز را کنار کسری بودجه پنج هزار میلیاردی بگذارید، تا حساب کار روشن شود. در مقایسه بودجه سرانه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی با بودجه سرانه برخی کشورها مانند ژاپن و انگلیس و آلمان، که بودجه سرانه دانش آموزی در آن کشورها معادل ۱۵۰ تا ۱۷۰ هزار دلار است، بخوبی نشان از بی توجهی عامدانه حکومت اسلامی برای توجه به امر دانش در کشور دارد. ۱۰ دلار را کنار ۱۵۰ هزار دلار بگذارید تا این مقایسه دردناک بیشتر مشخص شود.

مدارس دولتی با باجگیری از جیب اولیا دانش آموزان به اشکال مختلف، و به بهانه های گوناگون تحت نام "همیاریهای مردمی" و غیره تامین میشود. یعنی بطور واقعی مردم هزینه تحصیل فرزندانشان و بخشی از اعتبارات آموزش و پرورش را می پردازند. ساختن مدارس هم

یا به بخش خصوصی یا با اعانه و یا توصل به خیرین مدرسه ساز تامین میشود.

تهیه کتابهای درسی که قطعاً باید جزو بودجه دولتی و کاملاً رایگان باشد نیز خود یک بار سنگین مالی دیگر بر دوش خانواده هاست. همین امسال کتابهای درسی، هفتاد درصد گرانتر گردیده است.

اما تخصیص بودجه برای انواع امور ایدئولوژیک و مذهبی موجود است. برای نمونه، "حسام الدین آشنا"، نماینده روحانی در ستاد راهیان نور می گوید: "بر اساس آمار سالانه اعتباری بالغ بر ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد تومان در بودجه استانی و ملی برای راهیان نور در سطح کشور هزینه می شود". پس بودجه برای اجرای سیاستهای تعیین شده اختصاص دارد.

انترناسیونال: نظام آموزشی جمهوری اسلامی، چه نقشی در شادی و یا افسردگی کودکان و نوجوانان در ایران دارد؟

سیامک بهاری: به نظر من کل دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی همان نقشه ای را که برای ارباب جامعه و مطیع کردن مردم به قوانین اسلامی تحت عنوان قوانین الهی دارد، بطور سیستماتیک، هدفمند و آگاهانه در آموزش و پرورش پیاده کرده است.

در نظام آموزشی جمهوری اسلامی بیش از صد و پنجاه مراسم با عناوین مختلف، طراحی شده است. در میان اینهمه مراسم نمیتوان یک مراسم شاد، که خنده بر لب کودک بیاورد، پیدا کرد.

نظام آموزشی جمهوری اسلامی در ایجاد افسردگی، پژمردگی و جو غم و اندوه نقش اساسی و تعیین کننده دارد. کل سیستم آموزشی با دست درازی در زندگی خصوصی کودک، استقلال فکری و ذهنی او را پریشان میکند. کودک با مفاهیمی آنهم اجباری و مکرر

نگاهی به آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

که معنای ملموسی از آنها ندارد و کلاً ارزش کودکانه ندارد، مانند محرم و نامحرم، گناه، نماز، عبادت، توبه، شهادت، جنگ و ایشار، حلال و حرام، نجس و پاک و غیره روبرو میشود. دنیای کودکی اش به هم می ریزد و مجموعه ای از پدیده های زمخت و اندوهگین و ناآشنا با دنیای کودکانه او، جای شادی، جست و خیز و فانتزی هایش را میگیرد. نظام آموزشی، سیستماتیک این فضا را مهندسی و مدیریت میکند. کتابهای درسی مملو از همین داده های ایدئولوژیک است. بجز محتوای ضد علمی شان و عدم تطابق با موازین شناخته شده و استانداردهای آموزشی، منبع ایجاد غم و اندوه و ایجاد احساس گناه در کودکان است. مطالبی که اساساً برای هجوم به ذهن کودک طراحی شده اند، او را آماج حملات بیرحمانه قرار میدهند.

جدایی جنسیتی از مهد کودک شروع میشود. جدایی از همبازی، جدایی از اسباب بازی مشترک، جدایی از بازیهای جمعی مختلط، به یکباره دیواری از حس تردید و تفاوت در ذهن کودک ایجاد میکند. پسران خود را مهاجم و دختران خود را در معرض هجوم همسالان خود می بینند! سپس مراسمها و بازیهای مذهبی - سیاسی کودک را درخود می پیچد. بطور مثال، جشن تکلیف یکی از غمبارترین جشنهایی است که این سیستم طراحی و مهندسی کرده است. در این به اصطلاح جشن قرار است دخترچه های نه ساله، از این به بعد، حجاب و تکلیف دینی را رعایت کنند. از امروز به بعد آتش جهنم در انتظار آنها زبانه میکشد! محرم و نامحرم، حد شرعی و همه کراهت اندوهبار مذهب به یکباره بر سر کودک آوار میشود.

رقص و آواز و موسیقی که

سازنده ذهن کودک است و مستقیماً در پرورش شخصیت مستقل کودک نقش پایه ای ایفا میکند، ممنوع است و بساطش برچیده شده است. خلاقیت موسیقی و تاثیر انکار ناپذیر نت ها و هارمونی موسیقی بخش تعیین کننده ای از سیستم آموزشی مدرن در جهان متمدن است که جمهوری اسلامی بشدت مانع آن است. کلاً ایجاد جوی که کودک خود را گناهکار، تاوان بار و بدهکار ببیند، اساس کار مذهب با جامعه و به طریق اولی با کودکان است. فکرش را بکنید، کودک هفت، هشت ساله بابت کدام گناه باید از خدا طلب بخشش کند؟ مگر چه کرده است؟

انواع اردوهای مذهبی - آموزشی هم همین نقش را دارند. محیط های آموزشی اساساً غمبار و عبوس اند. مانند مسجد و تکیه عزاداری طراحی میشوند. کودکان در این محیط ها باید بیاموزند که سرباز اسلامند، شهادت طلبند، عشق و دوستی یعنی ایشار در راه حکومت و اهداف آن.

درعین حال تبعیض سازمان یافته دولتی و رسمی در نظام آموزشی يك بخش و يك ركن ديگر اندوهبار شدن محیط های آموزشی است. تبعیض و نابرابری احساس حقارت مخربی در شخصیت کودک ایجاد میکند.

به کل این سیستم عبوس و غمزده، فقر و فلاکت عمومی تحمیل شده با جامعه را هم اضافه کنید، میشود قانون عزاداری! به جرات میتوانم بگویم، محیط مدارس در ایران از اندوهناک ترین و غمزده ترین محیط های آموزشی در جهان است.

نکته مهمتری که اینجا شاید از نظر پنهان بماند حق شاد بودن است. شادی يك حق است. مانند رفاه، مانند سلامتی، مانند استراحت و تفریح. حق شاد بودن

يك ركن زندگي کودک است. نظام آموزشی اساساً با نادیده گرفتن و پایمال کردن آن، کودک را از کودکی جدا می کند، ذهنش را با خرافات مذهبی آلوده و تباه میکند.

رشد نگران کننده و شوک آور میزان افسردگی در کودکان و نوجوانان را نباید دست کم گرفت. این اسباب دردسر وحشتناکی برای خود این افراد و کل جامعه و آینده آن خواهد بود. افسردگی فقط غمزدگی نیست. تخریب شخصیت، کودکان و نوجوانان، عواقب غیر قابل جبرانی دارد. کل نظام سیستم آموزشی مسبب و عامل اصلی این فروپاشی و درونگرایی مخرب در میان کودکان و نوجوانان است. سپردن اداره مهد کودکها به مساجد و نهادهای مذهبی از دیگر پروژه های سیستم آموزشی مبتنی بر ترویج ایدئولوژی اسلامی است.

بدون تردید، بخش اعظم آنچه که به فوق برنامه ها در محیط های آموزشی اسلامی معروف هستند، مستقیماً و بدون واسطه، تعلیم مذهبی - سیاسی است که باید ملکه ذهن کودکان و نوجوانان گردد.

از سوی دیگر، محیط آموزشی بعلت حساس بودنش، به دژ نظامی - امنیتی بیشتر شبیه است، تا مدرسه! این پادگانی است که دستگاه اطلاعاتی برای کسب حقایق پنهان درون خانه و خانواده، سربازانش را مورد تجسس دائمی قرار میدهد.

بنابراین هجوم مذهبی و ایجاد فضای غم و اندوه دلایل سیاسی کاملاً حساب شده ای دارد. از نظر جمهوری اسلامی همانطور که در جامعه نباید شادی و جشن و سرور برپا باشد، در محیط های آموزشی که دیگر تماماً تحت کنترل پلیسی حکومت هم هست، بهیچ وجه خبری از شادی و هلهله و رقص و موزیک نباید باشد. حرام و حلال و

واجب و مستحب، مفاهیمی است که جای حق و انتخاب و رای را می گیرد.

همانطور که اساساً در مذهب جایی برای حق و انتخاب وجود ندارد، انجام دستورات دینی نامش واجبات است، و آنچه کسی مجاز نیست انجام بدهد نامش حرام است. محیط های آموزشی تحت کنترل شدید همین آموزه قرار دارند.

انترناسیونال: نتیجه این تهاجم چه میشود؟

سیامک بهاری: این يك تهاجم سازمان یافته و تحت کنترل است. نتیجه مستقیم و بلافاصل آن به صورتهای انفجاری، عصیانگری، ناآرامی، حس انتقام و خشونت، بیرحمی و عدم تحمل نظرات متفاوت و مخالف، اطاعت و فرودستی، احساس تحقیر و چندگانگی شخصیتی از خصوصیات شناخته شده و بارز این فشارهای ایدئولوژیک است.

فرار از این فضای بسته و مختنق، اولین واکنش طبیعی کودکان و نوجوانان است، این فرار برابر قوانین مذهبی - سیاسی جرم محسوب میشود، بنابراین شادبهای مخفی و زیرزمینی و در عین حال دوگانگی بسرعت رشد میکند. برای کودکان و نوجوانان، ریاکاری و فریبکاری به بخشی از واکنش طبیعی و دفاع از حق خود بدل میشود.

انترناسیونال: هنر و فرهنگ مورد نظر جمهوری اسلامی در آموزش و پرورش کدام است؟

سیامک بهاری: همانطور که پیشتر هم اشاره شد، فرهنگ و هنر مذهبی و اسلامی قبل از هر چیز، قبل از اینکه از زاویه زیبا شناسانه که خاصیت هنر است، به آن پرداخته شود، زمختی و تعفن ایدئولوژیک آن چشم را میزند و مشام را می آزارد. در آنچه که به اصطلاح به آن هنر و فرهنگ مذهبی و اسلامی گفته میشود، آزادی، حق انتخاب، شکوفایی، حقیقت، تکامل و پویایی و زیبایی جای خود را به

اطاعت محض، شیفتگی بدون تعقل، بی اختیاری و حقارت، مبالغه و گزافه گویی و تخدیر ذهن میدهد.

حکومت اسلامی این به اصطلاح هنر را میخواد به زور دگنک به جامعه و مخصوصاً کودکان و نوجوانان تحمیل کند. می بینید که جوانان از آنها چه جوکهای میسازند. جوکهای علیه خمینی و مذهب و خدا و ائمه و ابوالفضل پارتی، حسین پارتی و غیره واکنش دفاعی جامعه است.

حکومت اسلامی افکار و ایده های سیاسی - مذهبی اش را در غالب سرودها و اشعار و فیلم و نمایش و تعزیه و پرده گردانی و سینه زنی و نوحه خوانی و مداحی و گریه و شیون و ایجاد فضاهای تخدیر شده مذهبی که نامش را فضای "روحانی و اخلاص" گذاشته به خورد جامعه میدهد. می بینید بنا به اقرار خودشان، هنوز موفقیتی نداشته اند. این به اصطلاح "هنر" جز با زور و تهدید و ارباب و مغرورویی راه رشد دیگری نیافته است.

برای نمونه به مراسم تکان دهنده و بهت آور، "شیرخوارگان حسینی"، "سه سالگان حسینی"، "نیروی بسیج شیرخواران"، نگاه کنید، اینها جشن و سرور محسوب میشوند. ادامه منطقی آن را میتوان در جشن تکلیف، اعیاد مذهبی، نوحه خوانی ها و مداحی و تعزیه و غیره دید.

هنر و فرهنگ اسلامی در حقیقت فرهنگ مرد سالارانه و فنودالی، ایستا و بشدت لمپنی است. بقول منصور حکمت، فرهنگ اسلامی، بخشی از لمپنیزم جامعه است.

شخصاً ذره ای زیبایی، ذوق، جسارت، شکوفایی، غنا، تفکر پیشرو، نوآوری، گسترش دامنه ذهن و دست یابی به درون ظرائف پدیده ها را در آن نمی بینم. آنچه که فرهنگ اسلامی نامیده میشود، بخش جدایی ناپذیر دستگاه استبداد دینی است. عمیقاً ضد زن، ضد برابری و در هر شکل و شمایل پس رو و



نگاهی به موقعیت دانشگاه در شرایط سیاسی دوره اخیر

مصاحبه با کیان آذر

انترناسیونال: از هفته گذشته سال تحصیلی جدید آغاز شد و میلیون‌ها دانشجو به دانشگاه‌ها برگشتند. جمهوری اسلامی همواره دانشگاه‌ها را به عنوان محل تجمع دشمنان خودش شناخته و مقامات رژیم گاه و بیگاه این مسئله را اعلام کرده اند. شما در این رابطه چه می گوئید؟

کیان آذر: این گوشه ای از واقعیتی ست که هراز گاهی سران حکومت اسلامی مجبور به اعتراف آن میشوند. فضای دانشگاه ها محل تمرکز و ارائه آرا و اندیشه های مدرن و پیشرو و انسان محورانه و خلاف جریان است. محل بروز عقاید و انجام فعالیت‌های متشکل است. جوانان با ورود به دانشگاه ها رو به فعالیت جمعی و متشکل می آورند و به روزترین و داغ ترین نظریات سیاسی و فلسفی بینشان رد و بدل میشود. چکیده ای از پیشروترین و اصلی ترین خواسته های جامعه بین دانشجویان مطرح و بحث میشود. یک روشنگری عمیق سیاسی و اجتماعی مداما در گشت و گذار است که منتج به این میشود که سکولاریزم، آنتیسم، رادیکالیسم و خواست تغییر بنیادین وضعیت موجود ویژگی اصلی دانشگاه میشود. و این خصوصیت به فعالیت روزانه توسط دانشجویان تبدیل میشود و همین مسئله و فاکتور فغان سران حکومت را در می آورد و تاریخا حکومت‌های دست راستی و مذهبی، دانشگاه را پایگاه مخالفین و "دشمنان" اعلام کرده اند. یک فضای سیاسی رادیکال و فعال که دائما تهدیدی جدی برای حکومتها به حساب آمده است. جمهوری اسلامی هم از این مسئله مبرا نیست و یکی از مراکزی که

بیشترین تهدید و خطر را از آن حس میکند دانشگاه و دانشجویان است.

انترناسیونال: رژیم چه اقداماتی را در پیشگیری از اعتراضات دانشجویی انجام داده است و چه طرحهایی دارد؟

کیان آذر: جمهوری اسلامی دو استراتژی کلان در مقابل دانشجویان دارد. اول سیاست پیشگیری برای جلوگیری از متشکل شدن و فعال شدن دانشجویان حول خواسته هایشان و جلوگیری از آغاز فعالیت جمعی یا شروع يك تجمع اعتراضی است. و دوم به موازات از طریق حراست، کمیته های انضباطی، دادگاه ها، بازداشت و زندانی کردن، تعیین وثیقه های سنگین و محرومیت های تحصیلی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی به فعالین دانشجویی با سرکوب و فشار گذاشتن روی چهره های شناخته شده که حکم سازمان دهندگان تجمعات و برپاکنندگان تشکلهای دانشجویی هستند و میتوانند توده دانشجو را از نظر سیاسی و اجتماعی سازماندهی کنند، میخواهند جلوی فعالیت متشکل و یا برپایی تجمعات اعتراضی و یا نمایندگی نظریات رادیکال و خلاف جریان در سطح دانشگاه ها و یا بین دانشجویان بگیرند و با از کار انداختن رهبران دانشجویی مانع از هر اقدامی شوند. در ادامه با فعال کردن نیروهای بسیجی و یا لباس شخصی و شبه نظامی و دادن فضا به این جریانات و یا با براه انداختن تشکلهای نشریات دست ساز و مدافع حکومت سعی در کنترل فضای دانشگاه دارند. اجرای سیاست طرح تفکیک جنسیتی در سطوح مختلف،

حذف رشته های علوم انسانی و اسلامیزه کردن دانشگاه ها و نیز حذف اساتید سکولار از دانشگاه ها از جمله تفرندهای حکومت برای مهار اعتراضات دانشجویی است.

انترناسیونال: دانشجویان بطور کلی چه مطالباتی دارند؟

کیان آذر: مهمترین خواسته های دانشجویان در شرایط کنونی عبارتند از:

۱. آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی.
۲. آزادی های بی قید و شرط سیاسی مانند آزادی بیان، تجمع، تشکل، اعتراض، اعتصاب، و سایر فعالیت های دانشجویی نظیر کلوپ های فرهنگی و علمی وغیره.
۳. لغو حجاب اجباری و انتخاب آزادانه پوشش.
۴. لغو قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و لغو تفکیک جنسیتی به هر شکل و در هر زمینه.
۵. انحلال فوری همه نیروهای نظامی، شبه نظامی و امنیتی مانند کمیته های انضباطی، حراست، نمایندگی رهبری و غیره در دانشگاه. ممنوعیت اکید ورود پلیس و نیروی انتظامی به دانشگاه.
۶. جدایی دین از آموزش و پرورش و دانشگاه ها.
۷. معرفی آمرین و عاملین کشتار و جنایت علیه مردم و دانشجویان و محاکمه آنان در دادگاه های علنی با نظارت بین المللی.
۸. لغو هرگونه گزینش و امتحان ایدئولوژیک مذهبی، عقیدتی و سیاسی برای ورود به دانشگاه ها. لغو فوری همه احکام اخراج و بازگرداندن فوری همه دانشجویان و استادان

اخراجی.
۹. انتخابی شدن همه مدیران و مقامات دانشگاهها توسط دانشجویان و استادان.

۱۰- تامین بالاترین استانداردها برای تحصیل و امکانات رفاهی دانشجویان. از قبیل لغو شهریه، تامین خوابگاه مناسب، پرداخت کمک هزینه، تامین دانشگاه و فضای تحصیلی کافی برای همه متقاضیان ورود به دانشگاه و ...

انترناسیونال: شما چه راههایی را برای پیگیری این خواستها برای دانشجویان مطرح می کنید؟

کیان آذر: همانطور که در اطلاعیه سازمان جوانان کمونیست بمناسبت آغاز سال تحصیلی جدید و بازگشایی دانشگاه ها آمده است باید در ادامه مبارزات هر ساله و جاری، در دوره تحصیلی جدید دانشجویان برای اینکه بتوانند در يك استاندارد موجه تحصیلی درس بخوانند و برای اینکه محرومیت یا تبعیضی در انتخاب محل تحصیل و یا در انتخاب رشته مورد نظرشان وجود نداشته باشد، برای اینکه به پوششان گیر ندهند و یا زن و مرد را در کلاسهای درس، سلف سرویس و کتابخانه جدا نکنند و برای اینکه در شرایط انسانی در خوابگاه ها زندگی کنند، برای اینکه بتوانند حق فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در دانشگاه داشته باشند، برای اینکه محرومین از تحصیل بتوانند به سر کلاس برگردند و دانشجویان بخاطر داشتن و ابراز عقیده و فعالیت‌هایشان زندانی و بازداشت نشوند، یعنی در يك جمله برای رسیدن به مهمترین مطالبات، باید سال تحصیلی که

پیش رو است شاهد اعتراضات گسترده و سراسری دانشجویان علیه جمهوری اسلامی باشیم. روحیه اعتراضی بصورت فراگیر در بین دانشجویان موجود است. باید این روحیه اعتراضی را تبدیل به حرکت اعتراضی متشکل، هماهنگ و سراسری فعال کرد. باید نشریات مستقل دانشجویی را در دانشگاه های مختلف راه اندازی کرد. باید در دانشگاه های مختلف چکیده ای از خواسته ها و مطالبات را جلوی مسئولین دانشگاه گذاشت و دانشجویان حول آن متشکل شوند و اعتراضات و فعالیت‌های جمعی را پیش ببرند. شعار دانشجویان باید "تغییر وضعیت موجود" باشد. باید اعلام کنند که این شرایط حاکم در عرصه تحصیلی، در خوابگاه ها و از لحاظ اجتماعی و سیاسی و اقتصادی باید تغییر کند. باید جمهوری اسلامی را عقب و عقبتر راند.

انترناسیونال: تحولات و رویدادهای سیاسی جامعه تا چه اندازه در دانشگاه انعکاس پیدا می کند؟

کیان آذر: همانطور که در جواب به سؤال اولتان اشاره کردم دانشگاه یکی از سیاسی ترین مراکز جامعه ایران است. یکی از پیشروترین بخشهای جامعه هست و جمهوری اسلامی و مدافعین اصول گرا و اصلاح طلب به هیچ وجه نتوانسته اند به هیچ شکلی آرا مهار کنند. آخرین مباحث سیاسی مربوط به ایران و جهان بین دانشجویان مطرح میشود و به بحث گذاشته میشود. دانشجویان بصورت نظری و عملی در يك دهه گذشته

ای از کشفاتی است که شبکه های تلویزیونی جمهوری اسلامی روز تا شب سعی می کنند بخورد مردم بدهند. مضمون و هدف این برنامه ها بجز زن ستیزی، کودک آزاری، نوحه خوانی و عزاداری و ترویج جهل و خرافه و ارباب چیز دیگری



نیست. استفاده روز افزون مردم از برنامه های ماهواره ای و شبکه های خارج از کنترل جمهوری اسلامی، بیزاری مردم از این برنامه ها و از قوانین اسلامی را نشان می دهد. حمله تکاورهای جمهوری اسلامی به ماهواره ها با شکست روبرو شد. هم درمورد حمله به ماهواره ها امروز رسماً اعتراف میکنند که از مردم شکست خورده اند و هم در زمینه حجاب و هم تحمیل سنن اسلامی عهد بوق به مردم. برنامه های صدا و سیما حتی برای اکثر دست اندرکاران و مزدوران حکومت چندان مهم است ولی يك حقیقت مهم را هرروز یادآوری میکنند که اگر مردم ایران زیر بار حکومت رفته بودند و شکست های سختی به آن نداده بودند امروز نظیر قوانین طالبان و داعش در خیابان ها حاکم بود و زنان توسط آیت اله های حکومت در بازار به فروش گذاشته میشدند. این شکست ها پیش درآمد شکست کامل جمهوری اسلامی از مردم و نه فقط این که پیش درآمد محو کل این فرهنگ تحجر از جامعه ایران است. با سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی انتخاب برای مردم، جامعه ایران یکی از پیشروترین جوامع دنیا حتی در مقایسه با جوامع غربی خواهد شد. *

کشید. پدر زینب که آخوند بوده است، دخترش را در سن دوازده سالگی به عقد محمد صادقی درآورده و در سن ۱۴ سالگی با او ازدواج و بلافاصله اقدام به بچه دار شدن کرده است. ایشان در سن ۴۳ سالگی چند نوه دارد. قبل از ازدواج همدیگر را ندیده بودند ولی از آنجا که پدر عروس خانم خیلی لیبرال بوده اند، قبل از ازدواج برای دختر ۱۲ ساله و

الاسلام با ایشان مخالف است و این را دلیل جهالت می داند و اعلام می کند "وقتی امام زمان ظهور کند مردم خودشان به دلخواه حجاب را انتخاب می کنند" و بطور ضمنی به برادران و خواهران حزب اله یادآوری میکند قبل از ظهور حضرت برای حفظ حجاب باید از چماق و پونز کمک گرفت. سرتاسر این برنامه چندی

سیاه مثل زندگی اسلامی

بهروز مهرآبادی

پیری زود رس میشود. "این کشف را می توان تکمیل کننده تئوری نظریه دکتر ابوالحسن بنی صدر در مورد اشعه موی سر خانم ها دانست که در همان سالهای اولیه حکومت اسلامی، اعلام شد. و می توان دریافت که برخورد این دو اشعه خطرناک چه عواقب وخیمی برای دنیا و آخرت و همچنین برای صورت خانم ها می تواند داشته باشد. سخنان

"زنده باد زندگی" نام يك برنامه تلویزیونی است که از شبکه دو تلویزیون جمهوری اسلامی پخش میشود. در سایت اینترنتی این برنامه از جمله اهداف آن میخوانیم: "روشهای جدید زندگی، تحلیل خانواده معاصر و جامعه ایرانی ... تکمیل و تعالی هنجارهای دینی در خانواده ... و جستجوی مضمون خانواده در همه مسائل اجتماعی و فرهنگی". در برنامه آخوندی بنام محمد صادقی ۴۳ ساله، داماد، دو پسر، يك نوه اش شرکت داشتند. دو حجم سیاه متحرک و سخنگو نیز در این برنامه بچشم میخورد که بعنوان همسر و دختر محمد صادقی معرفی شدند. آنها در پوششی کاملاً سیاه پیچیده شده بودند که چشم ها و حتی نوک انگشت آنها بزحمت پیدا بود. مجری برنامه تحصیلات حجت الاسلام صادقی را سطح ۴ حوزوی و معادل دکترا اعلام می کند که حجت الاسلام با کمرویی و عشو مقام دکترا را در شان خود ندانسته و به همان "شیخ" بودن اکتفا می کند. خانم زینب طیبیان همسر ایشان هم طلبه است و تا سطح ۲ حوزوی پیشرفت کرده است.

بحث های کشف مجری برنامه و آقای دکتر حجت الاسلام در مورد محدودیت های شرعی و مجاز بودن دیده شدن مچ دست، مچ پا و قرص صورت به همان اندازه مضحک است که تهوع آور. و مضحک تر از آن سخنان زوجه حجت الاسلام زینب طیبیان است که این چنین عمق شعور خود را بیان می کنند: "پوشانده شدن سر و صورت خانم ها دلیل پزشکی دارد. زنهایی که خودشان را میپوشانند جوانتر می مانند چون از چشمان مرد اشعه ای تولید میشود که وقتی به صورت زن میخورد باعث



داماد ۱۸ ساله صیغه محرمیت دو ساعته خوانده تا اجازه صحبت و دیدن یکدیگر را پیدا کنند. و در نهایت جناب حجت الاسلام سنت پدوفیلی اسلامی را حجت الاسلام از قول پیغمبر روایت می کند که: "سعادت هر پدر و مادری است که دختر قبل از بلوغ به خانه شوهر برود". این برنامه تلویزیونی نمونه

آور تلویزیونی نمایش تحجر و کثافت قوانین اسلامی است. این برنامه تلویزیونی بصورت سیاه و سفید به نمایش درآمد است و از رنگ در آن خبری نیست. هر چقدر محمد جعفر خسروی مجری برنامه با چاپلوسی های چندی آور و اهل بیت حجت الاسلام بخواهند زندگی خود را لذت بخش جلوه دهند، اما این برنامه فقط نمایش زندگی زجرآور و بیمارگونه اسلامی و وضعیت زنان در آن است که بقول خانم صادقی باید حداقل چهار پوشش داشته باشند که آخرین مرحله آن به نقل از حضرت زهرا، باید به سیاهی شب باشد. در بیت حاج آقا صادقی تلویزیون ممنوع است چرا که بقول آقای مجری تلویزیون پنجره ای است که نمی توان در مقابل آن پرده

حجت الاسلام صادقی و بیت ایشان گوشه ای از نگاه اسلام به زن و به عنوان وسیله ارضای جنسی مرد و ماشین تولید مثل و (یا بقول محمد صادقی تولید لا اله الله گو و یا تولید مسلمان جدید) است.

شکل و شمایل این خانواده اسلامزده چنان است که حتی رسانه های مجاز در جمهوری اسلامی از آن با عناوین "نامرسم"، "خاص" و "خانواده پوشینه پوش" از آن اسم بردند. حاج آقا صادقی، زوجه و حتی صبیبه ایشان هم به "غیر عادی" بودن شکل و شمایل خود اذعان دارند و می گویند که مردم آنرا نمی پسندند. زینب صادقی امتناع سایر زنان را از داشتن چنین پوشش کیهانی "راحت طلبی" آنها می داند ولی حجت

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شها دانشفار

shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968

بهرام سروش

bahram.soroush@gmail.com

0044-7852 338334

http://free-them-now.blogspot.com

از صفحه ۱۲

نگاهی به موقعیت دانشگاه در شرایط سیاسی دوره اخیر

از صفحه ۱۱

نگاهی به آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

مرتبا نسبت به رویدادهای سیاسی واکنش نشان داده اند. بطور مثال برگزاری سمینار در رابطه با جنبش ۹۹ درصدی ها در دانشگاه تهران بوده که در ۲ سال گذشته از طرف دانشجویان چپ برگزار شده و یا برگزاری پیکت حمایتی در سطح دانشگاه در رابطه با کارگران بازداشتی و کمک مالی و سیاسی برای آنها. در مجموع دانشجویان برخوردی فعالانه با مسائل سیاسی اجتماعی داشته اند و سعی کرده اند که نقش تاثیرگذاری را ایفا کنند.

انترناسیونال: دانشگاهها همواره بعنوان یک مرکز مهم نیروهای چپ و سوسیالیست شناخته شده است. امروزه چپ در دانشگاهها در چه وضعیتی است؟

کیان آذر: در شانزده آذر سال گذشته و نیز دو سال پیش جمهوری اسلامی با اینکه فضای سرکوب شدیدی براه انداخته بود و به قولی میخواست فضای سرکوب شدیدی بعد از اعتراضات سالهای ۸۸ تا ۹۰ را به جامعه و دانشجویان تحمیل کند دانشجویان رادیکال، انقلابی و چپ در مراسم و همایشی که شکل های دست ساز بمناسبت ۱۶ آذر برگزار کرده بودند رفته و در پتل اعلام کردند که جواب برورفت از این وضعیت بحرانی سیاسی و اقتصادی در ایران و در سطح جهان کمونیزم است. و اعلام میکنند نه تنها دانشگاه زنده است بلکه چپ است! و این پیام روشن و صریح دقیقا بعد از سرکوب شدید حکومت در دانشگاه هاست و تمام تلاشش بعد از موج دستگیری پنجاه دانشجوی شناخته شده چپ در سالهای ۸۶ میباشد. که با تفرقه افکنی و سمپاشی علیه دانشجویان چپ و تبلیغات

سنگین علیه کمونیزم و حزبیّت سعی در ایجاد بی اعتمادی بین دانشجویان میکنند. در حال حاضر کمونیزم و نقد سوسیالیستی به وضعیت موجود یک گرایش قدرتمند در بین دانشجویان است. گرایش چپ اجتماعا حضوری قوی در بین دانشجویان است. نظریات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آوانگارد نفوذ وسیعی در بین دانشجویان دارد و اینرا به وضوح میتوان مشاهده کرد اما نقطه مکمل این مسئله که وجود تشکلهای مستقل دانشجویی بمنزله نمایندگی سیاسی دانشجویان است در حال حاضر بخاطر فاکتور سرکوب تا بحال میسر نبود و تشکلهای نیمه علنی هم که وجود داشتند با مشکلات زیادی مواجه شده و با سرکوب شدید منفعّل شده اند.

اما این بمعنای پایان فعالیت دانشجویان چپ نبوده و شکل فعالیت و ارتباط آنها بصورت شبکه هایی مخفی و نیمه علنی ادامه پیدا کرده است. دانشجویان مترصد تغییر توازن قوای سیاسی بنفع خود هستند تا بلکه با پیشبرد اعتراضات و بدست آمدن این توازن قوا بتوانند تشکلهایی مستقل و رادیکال را پایه گذاری کنند.

انترناسیونال: رابطه مبارزات دانشجویان با سایر جنبش های اجتماعی چگونه می بینید؟ بنظر شما دانشجویان چه نقشی می توانند در این جنبش ها داشته باشند و اهمیت آن در چیست؟

کیان آذر: دانشجویان همیشه بمثابة بلندگوی سیاسی عمل کرده اند و خواست کل جامعه را فریاد زده اند. خود را متحد جنبش زنان و کارگری معرفی کرده اند. توی دهن خامنه ای و رئیس جمهور

عقب مانده است. این دستگاه تبلیغی و توپخانه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است که خودش به آن "هتر" اطلاق میکند. کودکان از این هنر اسلامی بشدت آسیب میبینند، خشونت و زمختی اش با روان و ذهن ساده و حساس کودکان بیگانه است. اجبار و تهدید بخش وسیعی از این به اصطلاح هنر را تشکیل میدهد و باید به شکلی آنان را از معرض آسیبهای این دست درازی به حقوق کودکان مصون داشت!

انترناسیونال: چه آلترناتیوی باید جلوی جامعه گذاشت؟

سیامک بهاری: پیشرفت جهان معاصر، دست یابی به

اسلامی و نماینده مجلس و هر فردی که سابقه ای در حکومت داشته و یا برای آبرو خریدن برای حکومت به دانشگاه آمده، زده اند. نه تنها سازمانده اعتراضات دانشجویی بلکه سازمانده تظاهراتهای خیابانی و نیز تشکل ها و گروه های مختلف بیرون دانشگاه در عرصه های دفاع از محیط زیست، دفاع از کودکان کار و خیابان، عرصه های هنری آوانگارد و ... هستند. وقایع سیاسی جامعه سریع و مستقما در بین دانشجویان منعکس میشود و فعالانه با آن برخورد میشود و این رابطه فعالانه و نقشی که دانشجویان در سوخت و ساز سیاسی و اجتماعی جامعه و بر علیه حکومت دارند بسیار حیاتی می باشد. این نقش باعث میشود که دانشجویان مرتبا خواست کل جامعه را بلند میکنند و خواست سرنگونی و ایجاد یک جامعه انسانی را که مطالبه اکثریت مردم بر علیه حکومت است را نمایندگی میکنند. دانشگاه بخاطر ویژگی

علمی، تامین سلامت جسمی و روانی کودکان، ایجاد مراکز آموزشی با سطح کیفیت استاندارد برابر با پیشرفتهای علمی، وظیفه دولت است. باید آموزش و پرورش یک نهاد کاملا غیر ایدئولوژیک باشد. کوتاه کردن دست هر نوع ایدئولوژی سیاسی و مذهبی از آموزش و پرورش یک خواست فوری و الزامی است.

محیط های آموزشی باید شاد و جذاب باشند. این وقتی ممکن است که راههای دخالت و رخنه ایدئولوژیک را مسدود کرد. آموزش یک حق است. رایگان بودن آموزش و پرورش کلا بساط تحقیر و تبعیض را هم جمع میکند. آموزش یک بن و یک استاندارد برای کودکان دارد. بهیچ عنوان جنسیتی نباید باشد. تقسیمات جغرافیایی نباید تغییری در استانداردهای آن بدهد. اینها از جمهوری اسلامی ساخته نیست. کار ما و وظیفه ای است که بر دوش ما قرار دارد.*

ادامه دارد و نشاندهنده جنبش مردم علیه حکومت را مداوما روشن نگه میدارد و نبض اعتراض بصورت علنی هر روزه

الگوهای دقیق علمی باید هدف ما باشد. در عین حال در مواجه با توحش اسلامی و هجوم به حق کودکان، باید تعرض را سازمان داد. باید پلاتفرم برای جایگزینی داشت.

برنامه یک دنیای بهتر یک نمونه و الگوی قابل استناد و اجرا برای جامعه است. استاندارد مورد قبول در حله اول این است، که آموزش و دسترسی به تحصیل در همه سطوح باید تماما رایگان و اجباری باشد. دولت موظف به تامین این نیاز عمومی است. تمامی استانداردهای چندگانه و طبقاتی شدن آموزش و پرورش باید برچیده شود. همه کودکان حق دارند به یکسان به آموزش و پرورش با استاندارد واحد دسترسی داشته باشند. ارتقاء

منحصر بفردش چراغ مبارزه مردم علیه حکومت را مداوما روشن نگه میدارد و نبض اعتراض بصورت علنی هر روزه

حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند!

حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند!

این حزب حزب کارگران و مردمی است که مصممند به دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

در مورد جریان‌ات راست مذهبی، سکولاریسم و حقوق مدنی ۱۱-۱۲ اکتبر ۲۰۱۴ تاور هتل، لندن، انگلستان

کتر از یک هفته برای ثبت نام در کنفرانس تاریخی باقی است

سکولاریست‌های سرشناس از سراسر جهان در ۱۱ و ۱۲ اکتبر ۲۰۱۴ در تاور هتل لندن گرد هم می‌آیند تا درباره جریان‌ات راست مذهبی و اسلام سیاسی، حملات آن به حقوق و آزادی‌های مدنی، و نقش سکولاریسم در سرنوشت بشریت قرن حاضر به بحث و جدل بپردازند.

تمهای مورد بحث انقلابات منطقه، شریعه و قوانین مذهب، آزادی بیان و ارتداد، و ارزش‌های سکولار و دیگر مسائل خواهد بود.

کنفرانس در تاور هتل با منظره تماشائی رود تیمز و برج لندن برگزار خواهد شد. در شب ۱۱ اکتبر ۲۰۱۴ از شرکت کنندگان در کنفرانس با مجموعه‌ای از برنامه‌های متنوع سرگرم کننده و با شام مفصلی در مصاحبت با سخنرانان سرشناس ما پذیرائی خواهد شد.

اسامی سخنرانان به این شرح است (به ترتیب الفبای انگلیسی):

ای سی گریلینگ، فیلسوف، استاد فلسفه و نویسنده

آلیا سلیم، ۶ سال درمدرس اسلامی در انگلیس و پاکستان بسر برد

آمل گرامی، استاد دانشکده مانو در تونس. در سال گذشته او در صف مقدم مبارزه ای موفق در جهت عقب راندن محاصره اسلامی‌ها در دانشگاه بوده

آن لوت، پیانیست
بهرام سروش، فعال سیاسی، مفسر و تحلیل گر
بن باز عزیز، بلاگر مصری

که بخاطر بی‌خدایی در کویت زندانی شد

کارولین فورت، نویسنده فرانسوی و سردبیر مجله چپ کریس موس، فعال دانشجویی سکولار

چولانی کدیکارا، پژوهشگر از سریلانکا و نویسنده کتاب "قانون خانواده مسلمان در سریلانکا"

دفنا بارم، کم‌دین

دیلیپ شیمپون، مورخ کارگری از هند

الهام مانیا، نویسنده و فعال حقوق بشر یمنی

فریبرز پویا، بنیانگذار جامعه سکولار ایران و یکی از مجریان برنامه نان و گل سرخ

فاتوسو، جامعه شناس اهل سنگال و هماهنگ کننده شبکه همبستگی بنام زندگی زنان تحت قوانین مسلمانان

گیتا ساهگل، نویسنده، روزنامه نگار، فیلم ساز، مدیر مرکز سکولار. او در فوریه سال ۲۰۱۲ از سازمان عفو بین المللی به خاطر انتقادش به آن سازمان برای رابطه اش با اسلامیون اخراج شد.

حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران
هما ارجمند، هماهنگ کننده کمپین علیه دادگاههای شریعه در کانادا

هوزان محمود، فعال حقوق زن و سخنگوی سازمان آزادی زن در عراق

حوریه مصلق، مشاور کمیسیون مستقل حقوق بشر در افغانستان و روزنامه نگار در افغانستان و پاکستان

عماد هبیب / **ادین**،

بنیانگذار شورای اکس مسلم مراکش - اولین سازمان علنی خداناواران در کشوری که اسلام دین رسمی آن کشور است.

اینا شوچنکو، رئیس سازمان فم که در سال ۲۰۱۱ توسط "کاگ ب" سازمان اطلاعات بلاروس، تهدید و ربوده شد و سپس در فرانسه به عنوان پناهنده سیاسی پذیرفته شد.

جولی بیندل، نویسنده انگلیسی و از بنیانگذاران گروه عدالت برای زنان

کاظم الغزالی، مدیر بخش جوانان مرکز حقوق بشر مراکش و عضو هیئت اجرایی انجمن ویلاگ نویسان مراکش بود.

کریمه بنون، استاد حقوق بین الملل از دانشکده قانون دی ویس کالیفرنیا و نویسنده الجزایری کتاب "فتوای شما اینجا جایز نیست"

کیت سمورتویت، کم‌دین و فعال سیاسی

کینان مالک، نویسنده **کیران اپال**، فعال پاکستانی حقوق بشر، نویسنده و از بنیانگذاران اکس مسلم شمال آمریکا

ال سی پی، گروه رقص که به مسائل مربوط به حقوق بشر و عمدتاً مساله قاچاق انسان تاکید دارد.

لیلا قبادی، فیلمساز، نویسنده و روزنامه نگار ایرانی
ماها کمال، فعالی که بخاطر ترک اسلام از سوی خانواده طرد شد

مگدا مین آبیلا، فعال حقوق زن که توسط اسلامیون در بنغازی لیبی ربوده شد و بعد از آزادی مجبور به فرار از این

کشور گردید

مریم هلی لوكاس، جامعه شناس الجزایری، بنیانگذار سکولاریسم مسئله زنان است

مریم نمازی، سخنگوی فتنه، قانون برابر برای همه و تولید کننده برنامه نان و گل سرخ

نادیا ال فانی، فیلمساز تونس‌ی که بعد از شکایت اسلامی‌ها در مورد فیلمش به اسم "نه خدا و نه ارباب" مجبور به فرار شد.

نهلا محمود، فعال حقوق محیط زیست و انسانی سودانی
نینا سنکاری، رئیس انجمن آزاداندیشان لهستان

نیرا دیویس - **یوال**، بنیان گذار شبکه تحقیقات بین المللی زنان در مناطق جنگ نظامی
پرویز خودبی، فیزیکیان هسته ای پاکستانی و فعال محیط زیست و اجتماع

پیتر تاجل، خوانندگان یک روزنامه انگلیسی او را یکی از "قهرمانان زمان ما" شناختند. او مدافع حقوق انسان و همجنسگرایان است

پراگنا پاتل، رئیس سازمان حقوق زنان. روزنامه گاردین او را به عنوان ۱۰۰ زن اول فعال شناخت

رندا کاسیس، عضو شورای ملی سوریه بود تا زمانی که بخاطر هشدار به اسلامیون در سال ۲۰۱۲ از این شورا کنار گذاشته شد

رامین فرقانی، بنیان گذار اکس مسلم سکاتلند
رومی حسن، نویسنده

سافک پاوی، عضو پارلمان

در ترکیه و برنده سکولاریست سال ۲۰۱۴

سلیل تریپاتی، روزنامه نگار

سمینا زهرا، کم‌دین

سانال ادا ماروکو، نویسنده و بنیانگذار بین المللی خردگرا و انجمن خردگرا در هند
شلی سگال، خواننده و فعال سکولار

سیبا شکیب، فیلمساز ایرانی / آلمانی، کتابش در مورد افغانستان "جایی که فقط خدا می‌آید گریه کند" جایزه برده و به ۲۷ زبان ترجمه شده

سعاد بابا عیسی، بنیانگذار سازمان برابری، سکولاریسم و مخلوط زن و مرد
سوکاکس، از بنیانگذاران بازماندگان صدای تجاوز جنسی کودکان از سوی کلیسا

سلطانا کمال، وکیل و فعال حقوق زن از بنگلادش

تاج هرچی، فعال ضد آپارتاید آفریقای جنوبی و بنیانگذار مرکز آموزش و پرورش مسلمانان

طارق فتح، نویسنده پاکستانی، بنیانگذار کنگره مسلمانان کانادا

تسلیمه نسرين، نویسنده بنگلادشی، پزشک و فعال حقوق زنان

تری ساندرسون، رئیس انجمن سراسری سکولار بریتانیا
ولید حسینی، ویلاگ نویس فلسطینی که در سال ۲۰۱۰ در فلسطین به اتهام "کفر" زندانی شد. او شورای اکس مسلم فرانسه را تاسیس کرد.

از صفحه ۵

از صفحه ۱۵

به آفتاب سلامی دوباره خواهیم کرد!

در مورد جریانات راست مذهبی، سکولاریسم و حقوق مدنی

گرفته محل را ترک کند. در همین لحظه تلفنم زنگ میزند بابک یزدی از تورنتو قهرمان است سنگر مبارزه علیه اعدام، شهری که هر هفته دوبار شاهد اعتراض علیه اعدام است. بابک میگوید از مقابل پارلمان ایالتی حرف میزند و در آنجا تجمع کرده اند به همه آنها گزارش میدهم که چه شده است و سوت میزنند و میگویند زنده باد و یک نفر میگوید قربان شما بروم و من پاسخ میدهم بهتر است همه ما قربان خانم علاسوندی برویم که آنجا هستند و یک ستون مبارزه علیه اعدام در ایران و مایه امید بسیاری از خانواده هایی که عزیزان آنها در خطر اعدام هستند.

در خانه ما هم جشن است از صبح در اینجا حالت فوق العاده بوده و تلفن يك لحظه از حرکت نایستاده است.

رژیم اسلامی طوفان درو میکند!

با شنیدن خبر احتمال اجرای حکم اعدام ریحانه جمهوری اسلامی ایران خواست شانس خود را امتحان کند. اگر ریحانه را اعدام کنند، در مقابل يك جنبش علیه اعدام، در مقابل ۲۰۰ هزار نفر امضا کننده طومار و در مقابل دختران جوانی در ایران که گفتند آیا پاسخ دفاع از خود در مقابل تجاوز اعدام است، پاسخ بدهد بله می کشیم و به هیچ اعتراضی وقعی نمی نهیم. فقط با طناب دار زنده هستیم و پاسخ به اعتراضات را چنین میدهم. البته حکومت اسلامی الان اوضاع را مناسب تشخیص داده بود بدلیل عطف توجه دنیا به جنایات دوستان داعشی اینها در عراق و سوریه و بدلیل اینکه فکر میکردند دنیا با لبخندهای روحانی مکار و جنایات داعش توجه اش به این مسائل نیست و میتوانند

ریحانه را به عنوان سمبل يك اعتراض واقعی و مهم و موثر علیه قتل عمد دولتی و علیه سیستم قضایی جنایتکارانه رژیم بکشند و نظامشان را از این مخمصه نجات دهند. طوفان درو کردند. این يك واقعه مهم علیه اعدام بود. ما نشان دادیم که میتوانیم باهم کار کنیم، میتوانیم متحدانه علیه اعدام بایستیم، میتوانیم کاری کنیم که رجایی شهر به استکھلم و تورنتو وصل شود و صدها نفر یکبار به حرکت در آمده و علیه اعدام دست به دست هم دهند.

این واقعه مهم بود این واقعه در تاریخ مبارزه علیه اعدام ثبت شد. همه دست به دست هم دادیم. در نورژ و سوئد و فنلاند در آلمان و کانادا و تهران و در همه جا برای نجات جان يك دختر جوان در مقابله با ماشین جنایت حکومت اسلامی.

ریحانه امروز به آفتاب سلامی مجدد کرد و ما همه کسانی که دیدیم و گریه کردیم و هیجان داشتیم که نکنند فردا خبر شوم را بشنوم نیمه شب با تبریک گفتن به هم، این روز را تمام کردیم و سه شنبه ۳۰ سپتامبر همه ما سلامی مجدد به آفتاب کردیم به آفتاب مبارزه متحدانه علیه قتل عمد دولتی. زنده باد همه کسانی که فعالیت کردند و زنده باد جنبش علیه اعدام

ما برای نجات ریحانه و آزادی او کمپین را فعالانه تر ادامه خواهیم داد. مینا احدی - کمپین بین المللی نجات ریحانه جباری ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴

آدرس های تماس با کمیته بین المللی علیه اعدام: hormoz_r@hotmail.com minaahadi26@gmail.com http://notonemoreexecution.org

بسمیم رحمان، فعال علیه خشونت علیه زنان

بیوگرافی کاملتر سخنرانان را می توانید در سایت کنفرانس مشاهده کنید.

حاصل نهائی کار کنفرانس تدوین يك مانیفست سکولاریستی جهانی و تشکیل يك جبهه متحد سکولاریستی بمنظور پاسخگویی به چالش های آینده خواهد بود. تمامی درافزوده های کنفرانس در قالب يك کتاب منتشر خواهد شد.

سازمان های زیر از جمله اسپانسرهای برگزاری کنفرانس هستند:

کودکان مقدمند؛ مرکز تحقیقات، شورای اکس مسلم بریتانیا، فتنه، علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زن، کمیته بین المللی علیه سنگسار و اعدام، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، همبستگی با مردم ایران، قانون برابر برای همه، سکولاریسم مسئله زن است، بنیاد ریچارد داوکینز،

زنان تحت قوانین مسلمانان و جامعه سکولار بریتانیا.

بهای بلیط شرکت در کنفرانس (شامل دو روز ناهار، يك مهمانی عصرانه، برنامه سرگرمی و شام شنبه شب):

برای میهمانی که زودتر و قبل از اول ماه رزرو کنند: شاغل ۱۶۰ پوند؛ غیرشاغل ۱۵۰ پوند

بعد از اول ماه مه ۲۰۱۴: شاغل ۱۷۰ پوند، غیرشاغل ۱۵۵ پوند، سازمان ها ۱۸۰ پوند

بهای بلیط برای شنبه و یکشنبه، فقط روز، با ناهار:

قبل از اول ماه: شاغل ۶۰ پوند؛ غیرشاغل ۵۰ پوند

بعد از اول ماه مه ۲۰۱۴: شاغل ۷۰ پوند، غیرشاغل ۵۵ پوند، سازمان ها ۸۰ پوند

بهای بلیط فقط برای برنامه شام و سرگرمی شنبه شب:

قبل از اول ماه: شاغل ۶۰ پوند؛ غیرشاغل ۵۰ پوند؛

سازمان ها ۷۰ پوند
بعد از اول ماه مه ۲۰۱۴:
شاغل ۷۰ پوند؛ غیرشاغل ۵۵ پوند؛ سازمان ها ۸۰ پوند

تعدادی اطاق در تاور هتل برای شرکت کنندگان در کنفرانس رزرو شده است. علاقمندان می توانند از طریق شماره تلفن های ۶۹۱۲ ۶۸۰ ۰۲۰۷ و ۰۸۷۱ ۹۷۷۰۲۱۸ مستقیماً با دفتر هتل تماس بگیرند و اطاق خود را با ذکر کد تخفیف **ONEL080314** رزرو کنند. اطاق تک نفره ۱۳۰ پوند و دو نفره ۱۴۰ پوند (هر دو شامل صبحانه). در وب سایت ما هم لیستی از هتل های نزدیک اطراف با قیمت های مناسبتر درج شده است.

برای دریافت اطلاعات بیشتر، ثبت نام و خرید بلیط لطفاً به ما مراجعه کنید: مریم نمازی؛ برگزار کننده کنفرانس
www.secularconference.com
m a r y a m n a m a - z i e@gmail.com

به کنگره ما بیايید!

کنگره نهم حزب کمونیست کارگری در ماه اکتبر ۲۰۱۴ برگزار میشود
کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است!

دعوت بعمل خواهد آمد. کنگره فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب، سیاست ها، کادرها، نحوه فعالیت و تصمیم گیری ما در جریان این عالیترین اجلاس حزبی است. از همه شما عزیزان دعوت میکنیم به کنگره ما بیايید.

نهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه اکتبر امسال به طور علنی در یکی از شهرهای اروپا برگزار میشود. علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره شرکت کنند. از احزاب و سازمانهای سیاسی و رسانه های خبری نیز برای حضور در کنگره

برای ثبت نام و کسب اطلاعات لازم با شماره تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید: ایمیل و تلفن تماس برای اسم نویسی:
تلفن تماس:
۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
markazi.wpi@gmail.com

با کنگره حزب کمونیست کارگری همراه شوید

شهلا دانشفر



خود نقش مهمی در بردن حزب و گفتمانهایش به درون جامعه و برافراشته نگاهداشتن پرچم آزادیخواهی و خواستهای برابری طلبانه دارند، به سهم خود تشکر و قدردانی کنم.

باز هم همه اعضا و کادرهای حزب، همه انسانهای آزادیخواه را فرا میخوانم که در فاصله کوتاهی که به کنگره مانده است، با پیامهای شان، همراهی خود را با این کنگره و مصوبات و تصمیماتش اعلام کنند. با ارسال نقطه نظرات و قرارهایشان در مباحث کنگره فعالانه دخالت کنند.

میتوانید بصورت جمعی پیام بفرستید. بصورت جمع هایی از کارگران و مراکز مختلف جامعه و از میان جوانان و انسانهای آزادیخواه پیام بدهید. این کنگره حزب شماست. فعالانه به تدارکش برویم. *

اکنون که بدلائل امنیتی امکان حضور مستقیمشان در این اجلاس مهم حزبی نیست، با پیامهای گرم خود و با اظهار نظرها و قطعنامه هایشان در راستای جلو بردن مباحث مهمی که باید در کنگره مورد بحث و بررسی قرار گیرد، این جای خالی را پر کنند و وزن سنگین سازمان حزب در داخل ایران را در این کنگره نمایندگی کنند. روشن است که یک بخش از دستور کار کنگره گزارش فعالیت های مبارزاتی حزب در فاصله دو کنگره است. از همین رو جا دارد که در این کنگره از دوستانی که با تلاش شبانه روزی

این کنگره و مباحث مهمی که در آن باید داشته باشیم، فراخوان من به کسانی که خود را به این حزب نزدیک می بینند، به همه کسانی که خود را با کانال جدید تعریف میکنند و این کانال را از آن خود میدانند اینست که انتظاراتشان از این کنگره را با ما در میان بگذارند و با ارسال پیامهای خود به این کنگره ما را در مباحثی که در آن خواهیم داشت همراهی کنند.

طبعاً جای همه این دوستان در کنگره ۹ حزب خالیست و از اعضا و کادرهای حزب در داخل ایران انتظار می رود که در این کنگره نقش مهمی ایفا کنند و

روی خود پاسخ دهد. از نظر من یک بحث مهم این کنگره طبعاً خود حزب و موقعیت کمونیسم امروز است. بحثی که خوشبختانه خطوط قطعنامه اش تدوین شده است و سرفصل هایش را از زبان حمید تقوایی در مصاحبه ای در نشریه انترناسیونال شنیدیم. با دنبال کردن این مباحث و جستجوی راه کارها و در پرتو این افق و چشم انداز است که باید به تدارک کنگره ۹ برویم.

یک فراخوان ما به مردم برای اینکه خود را از شر جمهوری اسلامی رها کنند، پیوستن به این حزب است. اکنون با تشکیل

کنگره نهم حزب در پیش است و تصور اینکه بار دیگر تعدادی از فعالین و مبارزین کمونیست گرد می آیند و بر سر اوضاع سیاسی امروز ایران و جهان و مسیر پیشرویهایی بیشتر حزب و راه پیروزی نهایی علیه توحش سرمایه داری حاکم به بحث می نشینند، شورانگیز است.

تشکیل کنگره ۹ حزب در شرایط امروز ایران و فضای ملتهب و نگران کننده جهانی، میتواند یک اتفاق سیاسی مهم و ابراز وجود و اعلام آمادگی ما چپ ها و کمونیستها برای ایفای نقش تاریخی مان باشد. طبعاً بشرطی که کنگره به وظایف پیش

کنگره ۹ حزب به چه مسائلی باید پاسخ بگوید؟

احمد رحمانی



برای معرفی هر چه بیشتر این حزب به جامعه جهانی و مردمان جهان بشناساند و آن را تبلیغ کند. حزب مصمم تر خود را بعنوان تنها آلترناتیو بعد از جمهوری اسلامی به جامعه جهانی معرفی کند و نگران سن سیاسی، نیرو و چه خواهد شد و غیره نباشد.

من تقاضا دارم که قرارها و پیشنهاداتی که در وضع موجود کمکی به حزب و یا اوضاع موجود نمیکند بپرهیزد. من بعنوان کادر این حزب و یکی از اعضای جنبش کمونیسم کارگری میخواهم جلسات حزبی را حرفه ای تر برگزار کنیم و باید توقع داشته باشیم که این جلسات کار روتینی شود برای گسترش حزب و آپدیت هوشیاری مان و برای فرا گیری سیاست های صحیح و تحلیل اوضاع و جامعه و همچنین برای رسیدن به انقلابی که تنها راه چاره است برای خلاصی از جهنم سرمایه داری اسلامی و جهل و خرافه.

به کنگره ما بیائید تا از نزدیک و همراه با هم با تعیین سیاست های رادیکال و انسانی به این بربریت پایان دهیم. *

فعالین سازمان دهد تا این فضای باز و مدرنیت سیاسی و خاصیت های نقد پذیری و انعطافات، حزب را قویتر و در مقابل خطراتی نظیر محفلیسیم و اکسپنه کند. این حزب باید بکوشد که بدنه کارگری را بیشتر تقویت کند و حزب را حول پراکتیک اجتماعی در ارتباط با جامعه سازمانده تر کند و پراکتیک را مشروط به تئوری نکند تا حزب و سیاست های سوسیالیستی آن دقیق تر و حرفه ای تر پیش برود.

انتظار من این است که حزب با استفاده از سیر تکنولوژی غول آسا برای ارتقا کادر پروری و عضوگیری و تضمین کردن ارتباطات داخل و خارج از این تکنولوژی نهایت استفاده را بگیرد و همگام با جامعه جهانی برنامه ها و سیاست ها و فعالیت ها و انتظارات خود را هم ارز با جامعه ایران به زبان انگلیسی

برداریم. از حزب کمونیست کارگری بعنوان یک حزب متعهد به انقلاب و آرمان های سوسیالیستی انتظار می رود که بتواند رابطه اش را با جامعه بسازد و آن را رادیکالتر و محکم تر نماید. حزب باید رابط جامعه، فعالین جنبش کمونیسم کارگری و آرمان های یک دنیای بهتر برای جامعه باشد و ایده های انسانی اش را در میان نسل جوان بیشتر برود.

حزب باید جنبش های سیاسی فعال طبقات دیگر را در جامعه بیشتر افشا کند و ماهیت آن و ریشه های آن را برای مردم بیشتر رونمایی کند. از کنگره انتظار می رود که در ساختار تشکیلاتی تغییرات اساسی و بنیادین بوجود آورد و حزب باز و مدرن و انعطاف پذیر در برابر نقد و خواسته های واقعی توده مردم و

خودش یکی از ارکان آزادی بیان است که در دنیای امروز در بین احزاب و سازمان ها و حتی دولت ها، چنین سبک و سیاقی وجود ندارد و این خود نشان دهنده شفافیت و مدرن بودن حزب کمونیست کارگری ایران و دور بودن سیاست های حزب از پیله محافظه کاری و دیکتاتوری سیاسی و درون حزبی است.

در بطن اوضاع امروز و اعدام های وسیع و بچاپ بچاپ های سران رانت خوار حکومت اسلامی در ایران تا کشتار مردم بیگناه در سوریه و عراق توسط دولت اسلامی (داعش) و برجسته شدن ناسیونالیسم گرد تحت لوای "گردایتی" در عراق و سوریه و ساختن چهره های متفاوت از دولت های مذکور ما را مصمم تر میکند که در مسیر انسانیت برای رهایی از این فلاکت گام

من می خواهم از ضرورت توجه بیشتر مباحث کنگره نهم حزب کمونیست کارگری ایران در بطن اوضاعی که در کشورهای منطقه مانند عراق و سوریه درست شده است و نقش دولتهای ایران، ترکیه، عربستان سعودی غرب و آمریکا که هر کدام به نحوی برای منافع خود و بقای زمام امور در این آشوب و نا امنی ها نقشی مهم و بنیادی دارند شروع کنم.

اول از هر چیز باید اشاره کنم که کنگره یکی از عالیترین ارکان های حزبی است و با اجلاس های درون حزبی کاملاً متفاوت است. از این زاویه که شرکت برای عموم افراد آزاد است و مردم میتوانند با شرکت در این اجلاس حزبی، از نزدیک با حزب و سیاست ها و فعالین و کادرهای آن و چگونگی نحوه تصمیم گیری ها در آن آشنا شوند. همین علنی بودن کنگره

درمورد اعتصاب و اعتراض کارگران کارخانه واگن پارس

کارگران شوند. کارگرانی که سه ماه حقوق شان توسط قرارگاه خاتم الاوصیاء بالا کشیده شده است. روز ۶ مهر کارفرما گفته بود که فرمانده قرارگاه نظامی خاتم الاوصیاء که سهامدار کارخانه است به کارخانه می آید که به مطالبات کارگران از جمله سه ماه حقوق معوقه آنها و جلوگیری از تجزیه کارخانه به چهار واحد کوچکتر رسیدگی کند. در ماه گذشته نیز کارگران دست از کار کشیده بودند اما اعتصابشان به دنبال توافق نمایندگان کارگران با کارفرما و فرماندار پایان یافته بود. روز ۶ مهر کارگران در محوطه کارخانه با سردادن شعار «مدیریت حیا کن، کارخانه رو رها کن» دست به اعتراض زدن و سپس یک باند بلوار آیت الله اراکی را برای ساعتی مسدود کردند و این در حالی بود که تعداد زیادی از اوباش سرکوب حکومت در محل تجمع کارگران حضور داشتند. کارگران راهی ندارند جز اینکه در تکت تکت مراکز کارگری تشکیلات خود را بسازند و شوراهای اسلامی را تعطیل کنند. در شرایط کنونی تشکیل مجمع عمومی و انتخاب تعداد قابل توجهی از نمایندگان واقعی و دلسوز کارگران و گزارش دهی منظم آنها به مجمع عمومی کارگران عملی ترین و مناسب ترین شیوه متشکل شدن و پیشبرد مبارزه است. علاوه بر این تجربه کارگران معدن بافق نشان داد که خانواده های کارگران اهرم مهمی برای تقویت اعتصابات کارگری هستند. باید متشکل شویم و همه نیرویمان را به میدان آوریم. علیرغم همه ارگان های سرکوبی که در کارخانه واگن پارس جمع شده اند، اگر متشکل شویم و همه نیرویمان را به میدان بیاوریم حریف لشکر مقابل خواهیم شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ مهرماه ۱۳۹۳، ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴

ایلنا میگوید "در چهارمین روز اعتصاب کارگران کارخانه واگن پارس، به دلیل درگیری کارگران با اعضای شورای اسلامی کار این واحد تولیدی، رئیس نهاد کارگری این کارخانه به بهداری کارخانه منتقل شد. اعضای شورای اسلامی کار ساعتی پیش در کارخانه حاضر شدند و نتیجه مذاکرات دیشب، هفتم مهرماه، با کارفرما و سهامدار اصلی (قرارگاه نظامی خاتم الاوصیاء) را به کارگران گزارش دادند. آنطور که اعضای شورای کار این کارخانه برای کارگران روایت کرده اند، تصمیم خاصی در مذاکرات دیشب گرفته نشده و زمان جلسه صرفا به گفت و شنود طرفین گذشته است. کارگران از توضیحات اعضای شورا قانع نشدند و قصد داشتند از کارخانه خارج شوند تا اعتراض صنفی شان را با تجمع بیرون از محیط کار ادامه دهند اما اعضای شورا مانع از خروج کارگران شدند. رئیس شورای اسلامی کار بر اثر درگیری با کارگران معترض که میخواستند از کارخانه خارج شوند، دچار ضعف جسمانی شده و به بهداری کارخانه منتقل شده است."

ایلنا که خود ارگان خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار است با این گزارش اعتراف میکند که شوراهای اسلامی ارگانی برای مقابله با گسترش و تشدید اعتراضات کارگری و به سازش کشاندن مبارزات کارگران است.

در جلسه دیشب، فرمانده قرارگاه نظامی خاتم الاوصیاء (سهامدار اصلی این کارخانه)، مدیرعامل، مدیر حراست، اعضای شورای اسلامی کار، مسئول انجمن اسلامی و فرمانده بسیج واگن پارس دیشب در قرارگاه نظامی خاتم الاوصیاء برای رسیدگی به مطالبات صنفی کارگران تشکیل جلسه داده بودند. رسماً کارخانه را نظامی کرده اند و تعدادی ارگان سرکوب جلسه میگیرند تا مانع گسترش اعتراض



عکس از آرشیو

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کاتاندا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarounsh
Account number #: 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود